

# درس ختم بخاری شریف

به انضمام  
زندگی نامه امام بخاری /

قال رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:  
«كَلِمَتَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ، خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ، ثَقِيلَتَانِ فِي  
الْمِيزَانِ، سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ»

اثر:

مفتی محمد تقی عثمانی حفظہ اللہ

ترجمہ:

ابو عبدالفتاح عبداللہ ریگی



سنی بوک – کتابخانہ مجازی اہل سنت

[www.SunniBook.net](http://www.SunniBook.net)

## فهرست مطالب

شماره	موضوع	صفحه
1	پیشگفتار مترجم	5
2	گزیده‌ای از زندگی شیخ الاسلام قاضی محمد تقی عثمانی	7
3	مختصری از زندگی امام المحدثین امام بخاری	10
4	نام و نسب	10
5	شکل و شمائل ظاهری امام بخاری	11
6	زمان تعلیم و قوت حافظه امام	11
7	زهد، تقوا و سیرت امام بخاری	13
8	اساتید و شیوخ امام بخاری	13
9	شاگردان امام بخاری	14
10	مناقب امام بخاری	14
11	سفرهای امام بخاری برای فراگیری علم حدیث	15
12	ابتلای امام	16
13	مذهب امام بخاری	19
14	سبب تألیف جامع صحیح	20
15	نظر اهل علم در مورد امام بخاری	21
16	تألیفات و تصنیفات امام بخاری	22
17	تعداد مرویات کتاب الجامع الصحیح	23
18	سند حدیث	26
19	سخنرانی توسط شیخ الاسلام مولانا محمد تقی عثمانی	28
20	جدائی و فراق مولانا سبحان محمود	28
21	بزرگترین فاجعه دین	29
22	روش تدریس کتب حدیث	29
23	خواندن سند حدیث قبل از قرائت متن حدیث	30
24	سند حدیث از خصوصیات امت محمدیه است	31

25	تورات و انجیل قابل اعتماد نمی باشند	31
26	احادیث قابل اعتماد هستند	32
27	زندگی نامه راویان حدیث محفوظ است	32
28	زحمات علمای جرح و تعدیل	33
29	داستان یک محدث	34
30	فن اسماء الرجال	35
31	بدون ذکر سند، حدیث غیر قابل قبول می باشد	35
32	مقام و حیثیت سند بعد از منتشر شدن کتب حدیث	35
33	راویان حدیث، مناره نور هستند	36
34	مثلی زیبا برای راویان حدیث	37
35	انسان در روز قیامت با چه کسانی همراه خواهد بود	38
36	مقام و منزلت صحیح بخاری	38
37	اهتمام ویژه به نوشتن احادیث	39
38	ظرافت در تراجم ابواب	39
39	علت آوردن کتاب التوحید در آخر	39
40	علت ختم نمودن کتاب التوحید در این باب	41
41	سر آوردن کتاب التوحید در آخر	41
42	خداوند چه احتیاجی به گذاشتن ترازو دارد؟	41
43	انصاف خداوندی	42
44	اعمال غیر مجسم چگونه وزن می شوند؟	43
45	خداوند بر وزن اعمال قدرت کافی دارد	43
46	عقل ما ناقص است	44
47	نعمت های جنت ماوراء عقلند	44
48	تصور نمودن وزن اعمال	45
49	هر کلامی که از زبان خارج می گردد وزن کرده می شوند	45
50	اعمال شمرده نمی شوند	46

51	چگونه در اعمال خاصیت وزن کردن یافت می گردد	46
52	از ریاکاری وزن کم می شود	47
53	از اتباع سنت وزن زیاد می شود	47
54	صحیح بودن طریقه ضروریست	48
55	توضیح لفظ قسط	49
56	واقعه حجاج بن یوسف	50
57	علت آوردن روایت احمد بن اشکاب در پایان	51
58	سه صفت در دو کلمه	52
59	معنای سبحان الله العظیم	53
60	خشیت چیست؟	53
61	خواندن این کلمات در صبح و شام	54
62	خلاصه	55

## پیشگفتار مترجم

از آنجایی که همه ساله در بعضی از حوزه‌های علمیه اهل سنت، جشن ختم صحیح بخاری برگزار می‌شود و از دور و نزدیک مردم با اشتیاق کامل در این جشن شرکت می‌کنند، در این فکر افتادم که درس ختم بخاری را در رساله کوچکی که همه بتوانند از آن استفاده ببرند جمع‌آوری کنم.

لذا در سفر کوتاهی که به کراچی داشتم، شرفیابی ملاقات با شیخ الاسلام محمد تقی عثمانی حفظه الله حاصل شد. گرچه مولانا در همین وقت از سفر مبارک حج برمی‌گشتند و ملاقات ما خیلی محدود بود، اما اجازه گرفتم این رساله پُرفیض را ترجمه کنم.

قابل ذکر است که شیخ الاسلام مولانا محمد تقی عثمانی کتاب‌های زیادی را تألیف، ترجمه و تصنیف کرده اند، و شخصیتی شناخته شده اند.

از جمله این کتاب‌ها می‌توان به: تَکَلُّمَةُ فَتْحِ الْمَلْهَمِ اشاره کرد که بعد از تکمیل آن، علماء به ایشان لقب شیخ الاسلام دادند. همچنین شیخ عبدالفتاح ابوغده هنگامی که به استعداد خدادادی ایشان پی برد، این لقب را داد.

این رساله کوچک بحث کوتاهی را در باره آخرین حدیث بخاری دنبال می‌کند، لذا طوری ترجمه شده که ان شاء الله برای عموم مسلمین مثمر ثمر واقع گردد. در پایان از همکاری تمام دوستان در امر تصحیح، حروف چینی و چاپ تشکر و قدردانی می‌کنم. و به ویژه از برادر گرامی آقای مفتی عبدالقادر عارفی که در مورد زندگی‌نامه علامه محمد تقی عثمانی با بنده همکاری نمودند، سپاسگذارم. امیدوارم که دوستان و عزیزان این بنده عاصی را در دعاهای خیر فراموش نکنند و اگر چنانچه در موردی با اشتباه مواجه شدند، بر بنده منت گذاشته، خبر دهند تا در چاپ‌های آینده تصحیح گردد.

**وَمَا تَوْفِيقِي إِلَّا بِاللَّهِ عَلَيْهِ تَوَكَّلْتُ وَإِلَيْهِ أُنِيبُ.**

ابوعبدالفتاح عبدالله ریگی

زاهدان 1380 شمسی

## گزیده‌ای از زندگی شیخ الاسلام

## قاضی محمد تقی عثمانی

نام: محمد تقی بن علامه مفتی محمد شفیع بن مولانا محمد یاسین بن خلیفه تحسین علی. در پنجم شوال سال 1362 هجری مطابق با سوم اکتبر سال 1943 میلادی در قریه دیوبند ایالت اتار پرادیش هندوستان به دنیا آمدند و در ماه جمادی الثانی سال 1367 هـ ق برابر با 1948 م حضرت مولانا محمد شفیع / به پاکستان هجرت نمود و در کراچی مدرسه‌ای را بنیانگذاری نمودند.

علامه محمد تقی عثمانی در آن مدرسه از سن پنج سالگی مشغول فراگیری علوم دینی شده و در سال 1379 هجری از دروس حوزوی فارغ التحصیل شدند. از آن سال به بعد به عنوان استاد دارالعلوم کراچی مشغول تدریس شده و بالآخره تدریس سنن ترمذی را بر عهده گرفتند و تا در گذشت استاد بزرگوارش علامه سبحان محمود / به تدریس آن اشتغال داشتند.

در سال 1420 هجری پس از این که استاد صحیح بخاری دارالعلوم کراچی حضرت مولانا سبحان محمود زندگی را الوداع گفتند علامه محمد تقی عثمانی به عنوان استاد صحیح‌ترین کتاب حدیث، بعد از کتاب الله منتخب شدند.

علامه محمد تقی عثمانی مدرک لیسانس اقتصاد و سیاست را در سال 1964 و مدرک لیسانس حقوق را در سال 1967 م، از دانشگاه کراچی و مدرک فوق لیسانس رشته ادبیات عرب را در سال 1970 م، از دانشگاه پنجاب پاکستان – کسب کرد.

علامه محمد تقی عثمانی از اساتید بزرگ و برجسته‌ای کسب فیض نمودند از آن جمله افراد ذیل را می‌توان نام برد:

- 1- علامه اکبر علی / مترجم اظهارالحق متوفی 1397 هـ
- 2- مفتی اعظم مولانا مفتی ولی حسن / متوفی 1415 هـ
- 3- مولانا مفتی رشید احمد حفظه الله.
- 4- مولانا سلیم الله خان، رئیس حوزه علمیه فاروقیه کراچی.
- 5- مولانا سبحان محمود / شیخ الحدیث سابق دارالعلوم کراچی متوفی 1420 هـ

6- مولانا قاری رعایت الله / متوفی 1420 هـ

7- علامه مفتی محمد شفیع عثمانی مفتی اعظم پاکستان و مؤلف تفسیر معارف القرآن.

علامه تقی عثمانی بر سه زبان معروف جهان عربی، اردو و انگلیسی تسلط کامل داشته و در هر سه زبان کتاب‌های مفیدی به رشته تحریر درآورده اند. بیشتر فعالیت‌های علامه عثمانی در رشته‌های حدیث، فقه و اقتصاد بوده و در مسائل بانکداری از متخصصین برجسته و حقوق‌دانان بزرگ جهان اسلام به شمار می‌روند.

در تأسیس بانک‌ها، صندوق‌ها و مؤسسات بیشماری در جهان نقش بسزایی داشته اند و سعی کرده اند که آنها را بر اساس اصول اسلامی بنیانگذاری و طراحی نمایند.

علامه عثمانی پست‌های متعددی را بر عهده داشته اند و بسیاری از آنها را به علت کمبود وقت و مشاغل زیاد ترک کرده اند.

ایشان به اکثر کشورهای جهان مسافرت علمی داشته اند، قسمتی از سفرنامه آن بزرگوار در کتاب «جهان دیده» آمده است.

علامه عثمانی از چندین سال پیش عضویت دیوان عالی کشور پاکستان، به معاونت ریاست جامعه دارالعلوم کراچی، عضویت مجمع فقه اسلامی (جده) و بالأخره معاونت ریاست آن مجمع را بر عهده دارند.

علامه عثمانی در زمینه‌های متعدد دارای تألیفات بوده اند که از آن میان می‌توان به آثار زیر اشاره کرد:

1- تکلمه فتح الملهم شرح عربی صحیح مسلم در 6 جلد.

2- درس ترمذی.

3- بحوث فی قضایا فقهیة معاصرة.

4- فقهی مقالات 3 جلد.

5- جهان دیده.

6- أحكام الذبائح.

7- أحكام الودائع المصرفية.



8- اصلاحی خطبات 10 جلد.

9- اصلاحی مواعظ.

## مختصری از زندگی امام المحدثین امام بخاری /

### نام و نسب:

نام ایشان ابو عبدالله محمد بن اسماعیل بن ابراهیم ابن مغیره بن بردزبه الجعفی البخاری بوده است<sup>(۱)</sup>. اجداد امام بخاری پیش از بردزبه به بعد مجوسی و ایرانی الاصل هستند، اما قبل از ابراهیم مشرف به اسلام شده اند.

پدر امام / از محدثین زمان خود به شمار می آمد و دارای تصانیفی است. علامه ابن حبان در کتاب «الثقات» ایشان را شاگرد حماد بن زید و امام مالک / قرار داده و او را از ثقات شمرده اند و نیز با عبدالله بن مبارک / ملاقات کرده اند. پدر امام / در هنگام وفات وصیت کرد که تمام اموال متروکه حلال و در آنها شائبه و شبهه هیچ نوع حرامی نیست. تمام آنها به طور میراث به امام بخاری رسید و امام از همان اموال پاک تربیت شد.

امام بخاری در 13 شوال سال 194 - ه ق، بعد از نماز جمعه در شهر بخارا چشم به جهان گشود و در سن 62 سالگی در سال 256 ه ق 30 رمضان مبارک در شب عید فطر در هنگام عشاء برای همیشه به ملاقات معبود حقیقی شتافت و بعد از نماز ظهر روز عید فطر در قریه خرتنگ حدود 6 مایلی سمرقند ایشان را به خاک سپردند. بعد از وفات امام بخاری تا مدت مدیدی از قبر امام بخاری بوی عطر استشمام می شد.

در شب وفات امام بخاری / شیخ عبدالواحد طراولسی، پیغمبر اسلام P را در خواب دید که همراه جمعی از صحابه ایستاده اند و گویا منتظر شخصیتی هستند. این محدث می گوید: من سلام گفته عرض کردم: یا رسول الله P منتظر چه کسی هستید؟ فرمودند: انتظر محمد بن اسماعیل البخاری. بعد مشخص شد که امام بخاری در همان شب وفات کرده اند.

شکل و شمائل ظاهری امام بخاری

(1) - هدی الساری مقدمه فتح الباری صفحه 478.

امام بخاری / قامت متوسط و جسم لاغری داشتند.  
حافظ ابن حجر / در کتاب «هدی الساری» مقدمه فتح الباری نوشته اند: امام بخاری در کودکی بر اثر بیماری بینایی خویش را از دست دادند. مادرشان برای بینایی ایشان به بارگاه خداوند متعال بسیار زاری و تضرع نمود. مادر امام / بانوی عابده و زاهده‌ای بود، شبی ابراهیم خلیل الله ﷺ را در خواب دید. ایشان فرمود: خدا دعاهاى تو را در حق فرزندت پذیرفته و بینایی او را مجدداً به وی بخشیده است. وقتی از خواب بیدار شد، چشمان امام بینا شده بود و بینایی امام آنقدر قوی بود که بسیاری از تصانیف خود را هنگام شب در پرتو نور ماه می‌نوشتند.

### زمان تعلیم و قوت حافظه امام /:

محمد بن حاتم ابوجعفر وراق یکی از شاگردان امام بخاری روزی از امام پرسید.

اوائل کار شما چگونه بود و چگونه به فراگیری علوم حدیث پرداختید؟  
امام فرمود: در آغاز به من الهام شد که احادیث آن حضرت  $\rho$  را حفظ کنم و من در مکتب بودم.

ابوجعفر در ادامه پرسید: در آن هنگام چقدر سن داشتید؟  
امام در جواب گفتند: ده سال یا کمتر از ده سال داشتم که حفظ حدیث را آغاز کردم<sup>(۱)</sup>.

حافظ ابن حجر در هدی الساری نوشته: در سفری که امام / به بغداد داشتند، محدثین آن دیار با هم مشورت کردند که امام را بیازمایند؛ زیرا امام در حفظ حدیث در تمام سرزمین‌های اسلامی مشهور شده بود، به خصوص در بغداد که مرکز علوم حدیث در آن روز به شمار می‌رفت.

بالآخره ده نفر از علماء را تعیین کردند که هر نفر ده حدیث را با تغییر متن احادیث و تغییر سند بیان کنند که مجموعاً (100) حدیث می‌شوند تا ببینند امام چه واکنشی نشان می‌دهند. بعد از این که امام / وارد بغداد شدند و علماء به

ملاقات ایشان رفتند، در آن هنگام به امام گفتند: ما احادیثی را قرائت می‌کنیم شما توجه بفرمایید که صحیح هستند یا خیر؟ اولین فرد (10) حدیث را قرائت نمود. هر حدیثی که قرائت می‌شد، امام / می‌گفتند: (لا أعرفه لا أعرفه) بالآخره هر نفر (10) حدیث را بیان کرد و امام بعد از قرائت هر حدیث لفظ «لا أعرفه» را تکرار می‌کردند که یعنی من این حدیث را نمی‌شناسم. بعد از این که قرائت احادیث تمام شد، امام خواندن و تصحیح احادیث را شروع نمودند و متن و سند را اصلاح کردند و حدیث را به همان ترتیب که علماء خوانده بودند، قرائت نموده و اصلاح کردند. محدثین بغداد در مقابل امام / تسلیم شدند و اذعان کردند که واقعاً آنچه که در رابطه با امام بخاری / گفته شده، ناچیز است و امام بخاری بسی بالاتر از آن است.

حافظ ابن حجر / می‌فرماید: تعجب در این نیست که امام متن و سند 100 حدیث را اصلاح فرمود، بلکه تعجب در این است که این احادیث را به همان ترتیب که آن ده نفر خوانده بودند، از اول تا آخر خوانده و اصلاح کردند و این شگفت‌انگیز و حیرت‌آور است.

### زهد، تقوا و سیرت امام بخاری /:

امام بخاری در ماه مبارک رمضان همه روزه یک مرتبه قرآن را ختم می‌فرمود و هر شب در نماز 10 جزء از قرآن مجید را تلاوت می‌نمود. غیبت هیچ کسی را نمی‌کردند و می‌فرمود: امیدوارم که در باره غیبت، خداوند مرا محاسبه نکند. غذای خیلی ساده میل می‌فرمود، حتی گاهی در طول روز فقط با 2 یا 3 مغز بادام قناعت می‌کرد و به قول بعضی تا 40 سال از شوربا استعمال نکردند، و بعضی می‌گویند: تا 30 سال صائم‌الدهر بودند، یک بار بیمار شدند و ایشان را پیش طیب بردند. طیب گفت: معلوم می‌شود که نان خشک خورده اند. امام فرمود:

بله، حدود چهل سال شوربا نخورده‌ام، هر ماه پانصد درهم درآمد داشت که آن را صرف فقراء و طلاب حدیث می‌کرد<sup>(۱)</sup>.

### **اساتید و شیوخ امام بخاری /:**

امام بخاری از مراکز بزرگی همانند: حجاز، شام، مصر و بغداد و از محضر شیوخ و فقهای بلندپایه‌ای علم آموختند و تعداد اساتید امام بخاری را 1080 نفر بیان کرده‌اند که از آن جمله می‌توان افراد زیر را نام برد:

1- اسحاق بن راهویه.

2- علی بن مدینی.

3- احمد بن حنبل.

4- یحیی بن معین.

5- عبدالله بن زبیر حمیدی.

6- ابوعاصم.

7- ابوعاصم شیبانی.

8- عبدالله بن عیسی.

امام بخاری بعد از فراغت از علم به بخارا باز گشت. مردم بخارا حدود 15 کیلومتر برای استقبال ایشان از شهر خارج شدند و اظهار سرور و خوشحالی می‌کردند و پول و سکه بر سر ایشان می‌ریختند.

### **شاگردان امام بخاری /:**

تعداد کثیری از بخاری / علم آموختند. در طول زندگی امام بخاری، بیش از نود هزار نفر از بخاری / بلاواسطه صحیح بخاری را شنیدند و آخرین راوی فربری است و از شاگردان مشهور ایشان می‌توان افراد زیر را نام برد:

1- مسلم بن حجاج قشیری.

2- ترمذی.

---

(1) - هدی الساری، صفحة 480.

3- ابن خزیمه.

4- ابوزرعه.

5- احمد بن سلمه.

6- احمد بن سلمه نیشابوری.

مجموعاً صد هزار نفر از امام بخاری روایت کرده اند<sup>(۱)</sup>.

### مناقب امام بخاری /:

امام بخاری در حفظ و فهم معانی، تیزفهمی، کثرت فقاہت، دقت معانی، زهد و تقوی، علت و طرق احادیث، قوت حافظه، ملکه اجتهاد، استنباط مسایل و به طور کلی در تمام جوانب مربوط به حدیث بی نظیر بودند و می توان ایشان را به (به جرأت) امام محدثین نامید.

بعد از ایشان افرادی که کتاب تألیف نموده اند از امام متابعت کرده اند و به قول علامه قسطلانی در صغر سنی، هفتاد هزار حدیث بر سر زبان او بود و خودشان فرموده اند: من یکصد هزار حدیث صحیح و دوصد هزار حدیث غیر صحیح از حفظ داشتم و می فرمود: من کتاب صحیح بخاری را از میان ششصد هزار حدیث انتخاب کرده ام.

### سفرهای امام بخاری برای فراگیری علم حدیث:

امام بخاری / برای فراگرفتن علم حدیث، سفرهای متعددی را انجام دادند. اولین سفر امام / به سوی مکه مکرمه بود، که همراه مادر و برادر خودشان «احمد بن اسماعیل» در سن شانزده سالگی به مکه مکرمه سفر کردند تا در مراسم حج شرکت کنند و پس از ادای مراسم حج، مادر و برادر امام / به شهر و دیار خود برگشتند و خود امام / در مکه مکرمه اقامت کردند. در این زمان محدثین مشهوری که در مکه مکرمه، خدمت علم حدیث بودند عبارت بودند از:

1- ابو عبدالله عبدالله بن زبیر.

(1) - مرقات، جلد اول، صفحه: 17.

2- عبدالله بن یزید.

3- ابوالولید احمد بن محمد ارزقی.

4- حسان بن حسان بصری.

5- خالد بن یحیی.

6- ابو عبدالرحمن مقری.

امام / از این محدثین حدیث را فرا گرفتند. بعد از مکه مکرمه به سوی مدینه حرکت کردند و از اساتید و محدثین شهر مدینه کسب فیض نمودند و در همین وقت اقدام به تألیف کتاب «فضائل الصحابة والتابعین» و «تاریخ کبیر» نمودند و برای تحریر این کتاب از پرتو و روشنایی نور ماه استفاده می کردند.

امام / بعد از مدینه، راه بصره را در پیش گرفتند. خبر استعداد و صلاحیت و قوت حافظه و حفظ حدیث امام / در دنیا مشهور شده بود. به هر حال، امام / به بصره آمدند؛ همه بزرگان و محدثین جمع شدند تا ایشان را ملاقات کنند و از محضر مبارکشان مستفید گردند. امام با وجود این که خیلی جوان بودند، همه تعجب می کردند که با این جوانی چقدر خدا به ایشان توانایی و حافظه داده است. ناگفته نماند که بصره شهری بود که بقایای علم صحابه و تابعین در آنجا قرار داشت و یکی از مراکز بزرگ علمی به شمار می رفت. امام / چهار مرتبه به بصره سفر کرده اند.

امام / بعد از بصره راه کوفه را در پیش گرفتند و وارد کوفه شدند و بارها به بصره و کوفه و بغداد سفر کردند تا از محضر اساتید کسب فیض کنند. مشهور است که امام می فرمودند: «**لَا أَحْصَى كَمْ دَخَلْتُ إِلَى الْكُوفَةِ وَبَغْدَادَ مَعَ الْمُحَدِّثِينَ**»<sup>(۱)</sup>.

امام / از کوفه به دارالسلطنه بغداد وارد شدند. بغداد مرکز حکومت خلفای عباسی و مهد علم بود، در این زمان شهر بغداد به شخصیت هایی همانند: امام احمد بن حنبل، شریح بن نعمان، محمد بن عیسی و محمد بن سابق به خودش می بالید؛ امام از این بزرگواران کسب فیض فرمودند.

(1) - سیر أعلام النبلاء، جلد 12 صفحه: 407.

صاحب «التقیید» می نویسد: وقتی که امام می خواستند از بغداد بروند، برای خدا حافظی خدمت استاد خودشان امام احمد بن حنبل رفتند، امام احمد بن حنبل / خیلی ناراحت شدند و اظهار تأسف کردند که بخاری از ما جدا می شود و ما را ترک می کند.

امام بعد از سفر به سرزمین عراق به سرزمین شام که یکی دیگر از مراکز علم حدیث بود رهسپار شدند و بعد از شام، روانه دیار مصر و بعد از مصر عازم الجزائر شدند.

ایشان همچنین به «مرو» ترکمنستان سفر کردند و از آنجا به بلخ رفتند. امام به هرات نیز سفر کردند و از احمد بن ابی الولید که حنفی المسلک بود، حدیث فرا گرفتند و بعد عازم نیشابور شده و از مشایخ آنجا کسب فیض کردند.

### **ابتلای امام /:**

امام بخاری وقتی به بخارا آمدند، مردم و حاکم بخارا (که در آن وقت خالد بن محمد ذهلی بود) استقبال امام آمده بودند. امام بعد از این که به شهر بخارا وارد شدند، در یک مسجد تدریس را شروع کردند و تا مدت زیادی در شهر بخارا مشغول درس حدیث بودند، چند نفر از حاسدین بدسرشت؛ از حاکم بخارا خالد بن احمد ذهلی که نائب الخلیفه عباسی بود، خواستند که از امام بخاری بخواهد که در کاخ بیاید و به فرزندان ایشان صحیح بخاری و تاریخ کبیر را درس بدهند. لذا حاکم بخارا از ایشان تقاضا کرد که چنین کند.

امام بخاری فرمودند: شایسته نیست که من احادیث را در خانه شما تدریس کنم. شما فرزندان خود را به مسجد بفرستید و چنین استدلال کردند که اگر به نظر امیر این امر ضرورت دارد ایشان نزد من بیاید. چون که علم نزد کسی نمی رود و باید به دنبال علم رفت.



حاکم این را پذیرفت، اما مشروط به این که امام به فرزندان او در تنهایی و در وقت خصوصی درس بدهند. امام / این را نپذیرفت و حاکم از ایشان ناراضی شد و به آخوندهای درباری دستور داد تا علیه امام تبلیغ سوء و توطئه کنند<sup>(۱)</sup>. چنانچه بر علیه امام / شروع به شایعه پراکنی نمودند و اتهاماتی به امام وارد کردند که یکی از آنها این بود که مثلاً امام / فتوا داده است از نوشیدن شیر حیوانات، حرمت رضاعت ثابت می شود. سپس امیر بخارا با مشورت درباریانش دستور داد که امام / بخاری باید از شهر بخارا بیرون شود. بالأخره زمین بخارا بر امام بخاری / تنگ شد. مردم سمرقند از امام / دعوت کردند که به سمرقند هجرت کنند.

هنگامی که امام / از بخارا خارج شدند اینگونه دعا کرد که:  
**«اللهم ما قصدوني به في أنفسهم وأولادهم وأهاليهم».**  
 «خدایا آنچه که اینها به من قصد کرده اند در نفس های خودشان و فرزندان و اهل شان نشان بده» (یعنی مرا بیرون کردند تو اینها را بیرون کن). چنانچه دیری نگذشت که مردم بخارا علیه حاکم شورش کردند و از طرف دولت ظاهریه او را از مسند قدرت عزل کردند و بر الاغ سوار کردند، در تمام بخارا او را گردانیدند و عزت و آبرو و حیثیتی برای او نگذاشتند<sup>(۲)</sup>. و آن دسته از مشاورینی نیز که با وی موافقت کرده بودند هریک به بلائی گرفتار شدند که مایه عبرت خلایق گشتند<sup>(۳)</sup>.

زمانی که امام / از بخارا خارج شدند، ماه مبارک رمضان بود. ایشان وقتی به روستای خرتنگ رسیدند در آنجا باخبر شدند که در سمرقند اختلاف واقع شده است. بعضی گفته اند که امام / اینجا نیاید و مخالفت کرده اند. امام در همین قریه توقف کردند تا مردم اتفاق رأی کنند و در میان مسلمانان اختلاف نشود تا مدتی منتظر ماندند، در یکی از شب ها ناراحت شدند و از قادر مطلق خواستند که:

(۱) - هدی الساری، صفحه ۴۹۴.

(۲) - هدی الساری، صفحه ۴۹۴.

(۳) - مقدمه تیسیر القاری.

«اللهم إنه قد ضاقت على الأرض بما رحبت فاقبضني إليك غير مفتون»<sup>(۱)</sup>.

«بار الها! زمین بر من تنگ شده است و جایی در زمین برای من نمانده است، مرا پیش خود فرا بخوان»<sup>(۲)</sup>.

همین که امام / از دعا فارغ شدند قاصد سمرقند رسید و گفت: تمام اهل شهر اتفاق کرده اند که شما تشریف بیاورید. امام قصد سفر به سمرقند کردند یک پا را بر رکاب گذاشته بودند و پای دوم را می خواستند بگذارند که حالت غشی به وی دست داد، ایشان را بر زمین گذاشتند. دیدند که پیشانی شان عرق کرده و تمام بدن شان تر شده است و پس از چند لحظه متوجه شدند که این آفتاب علم، برای همیشه از آسمان دانش غروب کرد، إنا لله وإنا إليه راجعون.

مردم برای ادای نماز عید رفته بودند، وقتی برگشتند هنگام ظهر نماز جنازه امام را خواندند و ایشان را در قریه خرتنگ به خاک سپردند<sup>(۳)</sup>.

### مذهب امام بخاری /:

علامه تاج الدین سبکی و ابوعاصم عبادی معتقدند که امام بخاری / شافعی مذهب بوده اند. چنانچه علامه سبکی ایشان را در ردیف فقهای شافعیه ذکر کرده اند، اما علامه ابوالحسن ندوی فرموده اند که ایشان حنبلی مذهب بودند و بعضی از علمای حنفیه نیز ادعا کرده اند که امام بخاری / حنفی مذهب بوده اند (دلائل این که از چه مذهبی زیاد مستفید گشته اند از اساتید برجسته امام بخاری

(۱) - در این ماجرا امام بخاری دعای موت خواستند در حالی که در حدیث برای تقاضای موت نهی آمده، قال رسول الله: «لا یتمنین أحدکم الموت» پس چرا امام بخاری تمنای موت کردند؟

جواب: این است که ابن حجر می فرماید: به خاطر مصائب و مشکلات دنیوی، دعاوی موت درست نیست، اما به سبب مصائب اخروی مانند منع از روایت حدیث و... درست است و در اینجا همین مورد بود و چون امکان ضعف ایمان بود، لذا به همین خاطر فرمودند: غیر مفتون.

(۲) - هدی الساری، صفحه: 494.

(۳) - هدی الساری، صفحه: 494.

می‌توان علامه کرایسی، ابو ثور، زعفرانی و علامه حمیدی را در فقه و حدیث نام برد). لذا آنانی که این اساتید را دیده‌اند، گفته‌اند: امام بخاری / شافعی‌مذهب هستند و دلیل این که بسیاری دیگر معتقدند که ایشان حنبلی‌مذهبند، ایشان همیشه خدمت احمد بن حنبل حاضر می‌شدند و از ایشان کسب فیض می‌کردند.

علامه ابن قیم در اعلام الموقعین نوشته‌اند که امام بخاری، مسلم، ابوداود و دیگر بزرگان از اصحاب احمد بن حنبل بیشتر او را اتباع کرده‌اند. لذا ایشان می‌فرمایند که این بزرگان حنبلی هستند، همچنین دلیل بعضی دیگر که می‌فرمایند: امام بخاری / حنفی می‌باشند این است که «الجامع الصحیح» را با مشورت اسحق بن راهویه تألیف کرده‌اند و اسحق بن راهویه حنفی المسلک اند.

بعضی ایشان را مجتهد منتسب الی الشافعی قرار داده‌اند<sup>(۱)</sup>. بعضی می‌گویند: ایشان نه مجتهد بودند نه مقلد، بلکه اهل حدیث می‌باشند. اما حق آن است که امام بخاری مجتهد مطلق اند و بزرگترین شاهد این ادعا (کتاب بخاری) است. علامه ابن تیمه ایشان را جزء مجتهدین مطلق قرار داده‌اند<sup>(۲)</sup>. علامه نفیس الدین سلیمان ابراهیم نیز ایشان را مجتهد مطلق قرار داده‌اند.

### سبب تألیف جامع صحیح:

- 1- می‌گویند: امیر المؤمنین فی الحدیث اسحاق بن راهویه؛ استاد بزرگ امام بخاری / آرزو داشتند که ای کاش شخصی مجموعه‌ای از احادیث رسول اکرم  $\text{p}$  را مختصراً آماده می‌کرد. امام بخاری / نیز در همان مجلس حضور داشتند، لذا خداوند این توفیق را به امام / عطا کرد.
- 2- امام بخاری در خواب دیدند که در مقابل پیغمبر اسلام  $\text{p}$  ایستاده و برای ایشان باد می‌زنند و مگس‌ها را می‌رانند. خواب‌گذاران تعبیر کردند که امام / از کلام رسول اکرم  $\text{p}$  دروغ و افتراء را دور می‌کنند.

(1) - الإنصاف فی أسباب الاختلاف لإمام ولی الله الدهلوی.

(2) - لامع الدراری.

صحیح بخاری طبق اصول عام تألیف نشده، بلکه یک مرتبه در مسجد الحرام تراجم او را آماده ساخت و در نوبت دوم در کنار روضه اطهر، آنها را از همدیگر جدا ساختند و با استخاره و غسل و وضوء و ادای دو رکعت نماز وقتاً فوقتاً در مدت 16 سال روایات و آثار را نوشتند.

محمد بن احمد مروزی می‌فرمایند که من در میان حجرالاسود و مقام ابراهیم خوابیده بودم که در خواب دیدم پیغمبر اسلام  $\text{p}$  می‌فرماید: «یا ابا زید، إلی متی تدرس کتاب الشافعی ولا تدرس کتابی» من عرض کردم یا رسول الله  $\text{p}$ ! کتاب شما چیست؟ فرمودند: «جامع محمد بن اسماعیل بخاری». علامه ابن کثیر می‌فرماید که: قرائت بخاری برای طلب باران خوب است و در هر منزلی تلاوت شود آن خانه از طاعون محفوظ می‌باشد.

### نظر اهل علم در مورد امام بخاری /:

1- اسماعیل بن اویس بعد از بررسی احوال امام فرمودند: «هذا الحديث انتخبها محمد بن إسماعيل من الأحاديث». حدیثی را که امام تأیید می‌کردند در باره آنها می‌گفت، یعنی اینها را محمد بن اسماعیل از بین احادیث انتخاب کرده اند.

2- حافظ رجاء بن رجاء می‌فرماید: «فضل محمد بن إسماعيل على العلماء كفضل الرجال على النساء» ترجمه: «برتری امام بخاری بر علماء مانند برتری مردان بر زنان است». در جای دیگر می‌فرمایند: «هو آية من آيات الله تمشي على ظهر الأرض»<sup>(۱)</sup>.

«او آیتی از آیات الهی است که بر زمین راه می‌رود».

محمد ابن بشار از اساتید امام بخاری می‌فرماید:

«هذا أفقه خلق الله في زماننا»<sup>(۲)</sup>.

«ایشان فقیه‌ترین خلق خداوند در زمان ماست».

(1) - هدی الساری، صفحه: 484.

(2) - سیر اعلام النبلاء، ترجمه ی امام بخاری.

امام زهری به شخصی فرمودند: «لَوْ أَدْرَكَتُ مَالِكاً وَنَظَرْتُ إِلَى وَجْهِهِ وَوَجْهِ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ، لَقُلْتُ كِلَاهُمَا وَاحِدٌ فِي الْحَدِيثِ وَالْفَقْهِ». «یعنی اگر تو چهره عالمانه امام مالک / و امام بخاری / را می دیدی درمی یافتی که در فقه و حدیث باهم برابر هستند»<sup>(۱)</sup>.

حافظ ابن حجر / ثنا و تجلیل علما را در رابطه با امام بخاری نقل می کند و در پایان می فرماید: «لَوْ فَتَحْتُ بَابَ ثَنَاءِ الْأَئِمَّةِ عَلَيْهِ مِمَّنْ تَأَخَّرَ عَنْ عَصْرِهِ لَفَنَى الْقُرْطَاسَ وَنَفَدَتِ الْأَنْفَاسُ فِذَاكَ بَحْرٌ لَا سَاحِلَ لَهُ».

«اگر تو بخواهی تعریف علمای بعد از امام [در باره او] را جمع کنی، کاغذها تمام می شوند و نفوس خسته می شوند، چرا که این امام مانند دریایی است که ساحلی ندارد» یعنی تعریف امام نهایی ندارد<sup>(۲)</sup>.

آری، بدین سبب کتاب بخاری «أَصْحَ الْكُتُبِ بَعْدَ كِتَابِ اللَّهِ» قرار گرفت و خود امام مفتخر به لقب امیرالمؤمنین فی الحدیث شدند.

امام احمد بن حنبل که می فرماید: «مَا أَخْرَجْتَ خِرَاسَانَ مِثْلَ مُحَمَّدِ بْنِ إِسْمَاعِيلَ» «دیار خراسان همانند امام بخاری شخصیت دیگری پیدا نکرده است».

یکی از همدرسی های امام بخاری / می گوید: امام بخاری به همراه ما به نزد شیوخ بصره تشریف بردند. ما حدیث می نوشتیم، ولی امام بخاری / نمی نوشت، ما اعتراض کردیم بعد از 15 روز امام بخاری گفت: شما مرا خیلی مورد اِذاء قرار دادید. لذا امروز از محفوظات من یادداشت های خود را تصحیح کنید.

رفیقش می گوید: ما تا آن وقت یک هزار و پانصد حدیث نوشته بودیم و امام بخاری / همه را از حفظ خواندند. ما در حیرت فرو رفتیم و از روی حافظه او نوشته های خود را تصحیح می کردیم.

### تألیفات و تصنیفات امام بخاری /:

امام بخاری / کتاب های متعددی را به رشته تحریر درآورده اند که از میان آنها می توان آثار ذیل را نام برد:

(1) - هدی الساری، صفحه: 483.

(2) - هدی الساری، صفحه: 486.

## 1- جامع صحیح بخاری:

بزرگترین تألیف امام، کتاب بخاری است که بقیه کتب امام را از اذهان برده است، و مردم خیال می کنند که امام فقط کتاب صحیح بخاری را تألیف کرده اند. و اسم کامل آن الجامع المسند الصحيح المختصر من أمور رسول الله P و سننه و ایامه.

## 2- المسند که بعضی آن را الجامع الصحيح المسند عنوان کرده اند.

3- فضائل الصحابة و التابعین: این اولین تصنیف امام است که امام در سن 18 سالگی آن را تصنیف کرده اند.

## 4- تاریخ کبیر که امام آن را در مدینه تصنیف کرده اند.

## 5- ادب المفرد.

## 6- تاریخ صغیر.

## 7- تفسیر کبیر.

## 8- مسند کبیر.

## 9- اسامی صحابه.

## 10- المبسوط.

## 11- جزء القراءة خلف الإمام.

## 12- کتاب الضعفاء الصغیر.

## 13- کتاب العلل.

و ...

## تعداد مرویات کتاب الجامع الصحيح:

علامه ابن صلاح در مقدمه خود می فرماید: تعداد احادیث این کتاب با مکررات، هفت هزار و دویست و هفتاد و پنج حدیث و بدون مکررات چهار هزار حدیث هستند. علامه نووی / نظر استاد خودشان علامه ابن صلاح / را تأیید می کنند و حافظ ابن کثیر در کتاب «اختصار علوم الحدیث» نظر علامه نووی / و علامه ابن صلاح / را اختیار کرده است.

البته برداشت علامه ابن حجر / و دیگر بزرگان این است که کل مرویات از این تعداد بیشترند و تعداد آنها را نه هزار و هشتاد و دو نوشته اند. بعضی می گویند: علامه ابن صلاح تعداد احادیث مسند را ذکر کرده اند و علامه ابن حجر / احادیثی را که سندشان ذکر شده و آنهایی که ذکر نشده را نیز حساب کرده اند و با حذف و بدون در نظر گرفتن تعلقات و متابعات و با رعایت مکررات هفت هزار و سیصد و نود هفت حدیث می شوند.

تعداد تعلقات که متونشان را نیز در کتاب بخاری ذکر کرده اند، هزار و سیصد و چهل و یک حدیث هستند و متابعات سیصد و چهل و چهار است که مجموع آنها با آنچه که ابن صلاح گفته است نه هزار و هشتاد و دو می شود.

حافظ ابن حجر / می فرماید: روایت مرفوعه بدون تکرار دو هزار و پانصد و سیزده هستند. با این حال علامه قسطلانی شاگرد ابن حجر / تعداد احادیث را بعد از حذف مکررات و تعلقات دو هزار و ششصد و دو حدیث گفته اند. شاه انور شاه کشمیری / شمارش علامه قسطلانی را تأیید کرده اند.

با این حال علامه شبیر احمد عثمانی نظرشان این است که چون حافظ گفته من خودم شمرده ام که دو هزار و پانصد و سیزده حدیث بعد از حذف مکررات تعلقات و متابعات باقی می ماند. لذا این نظر صحیح است، علامه عثمانی / نیز این نظر را تأیید می کند.

تمت بالخیر (خادم الطلاب).

(ابوعبدالفتاح عبدالله ریگی).

(زاهدان 1380).

دَرْسِ خَتْمِ بُخَارِي شَرِيف:

قَالَ رَسُولُ اللَّهِ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَسَلَّمَ:  
كَلِمَتَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ  
خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ  
ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ

سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ



## بسم الله الرحمن الرحيم

درس ختم صحيح بخاری سنه 1420 هجرى (جامعه دارالعلوم كراچى).

يكي از طالبان علوم نبوت به نام محمد اظهر اين عبارت را قرائت كرد:

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على نبيه الكريم وعلى  
آله وأصحابه والأمة المحدثين. أما بعد باب قول الله تعالى:  
﴿مَنْ حَمَلَ تَابِعَاتِكُمُ النِّسَاءَ فَإِنَّ أَعْيُنَهَا مَتَرٌ مَّاءٌ يَافُورٌ﴾  
﴿وَقَوْلُهُمْ يُوزَنُ﴾ وقال مجاهد: القسطاس العدل بالرومية ويقال  
القسط مصدر المقسط وهو العادل وأما القاسط فهو الجائر.

سند حديث:

فضيلة الشيخ القاضي المفتي محمد تقى العثماني حفظكم الله  
وأكرمكم في الدارين حدثكم والدكم فضيلة الشيخ فقيه الملة  
المفتي محمد شفيع رحمة الله تعالى عليه عن فضيلة الشيخ الإمام  
أنور شاه الكشميري عن شيخ الهند محمود الحسن رحمة الله  
تعالى.

وحدثكم فضيلة الشيخ المفتي رشيد أحمد حفظه الله تعالى عن  
الشيخ حسين أحمد المدني عن شيخ الهند الشيخ محمود الحسن  
العثماني عن الشيخين الجليلين الشيخ العلامة محمد قاسم  
النانوتوي والعلامة رشيد أحمد الكنكوهي وهما يرويان عن  
العارف بالله الشيخ عبد الغنى المجددى عن مولانا الإمام الحجة  
الشيخ محمد اسحق الدهلوي عن الشاه عبدالعزيز الدهلوى عن  
العارف بالله الشيخ ولي الله أحمد بن عبدالرحيم الدهلوى قال:  
أخبرنا الشيخ أبوطاهر محمد بن ابراهيم الكردي قال: أخبرنى  
والدي الشيخ ابراهيم الكردي قال: قرأت على الشيخ أحمد  
القشاشى قال: أخبرنا الشيخ أحمد بن عبدالقدوس النشاوي قال:  
أخبرنا الشيخ محمد بن احمد الرملى عن الشيخ زكريا بن محمد  
أبي يحيى الأنصاري قال: قرأت على الشيخ الحافظ الحجة أحمد بن  
علي بن حجر العسقلاني عن الشيخ إبراهيم بن أحمد التتوخي عن  
الشيخ أحمد بن أبي طالب عن الشيخ السراج الحسين بن المبارك  
عن الشيخ عبدالأول بن عيسى الهروي عن الشيخ عبدالرحمن بن

مظفر الداؤدى عن شيخ عبدالله بن أحمد السرخي عن الشيخ أبي عبدالله محمد بن يوسف الفربري عن الإمام الجليل الحافظ الحجة أمير المؤمنين في الحديث أبي عبدالله محمد بن إسماعيل بن إبراهيم بن المغيرة بن بردزبه الجعفي البخاري رحمهم الله تعالى ومتعنا بفيضهم. آمين.

قال: حدثنا أحمد بن اشكاب قال: حدثنا محمد بن فضيل عن عمارة بن القعقاع عن أبي زرعة عن أبي هريرة رضي الله تعالى عنه وعنهم أجمعين قال: قال النبي صلى الله عليه وسلم: «كَلِمَتَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ».

**سخنرانی توسط شیخ الاسلام مولانا  
محمد تقی عثمانی مدظلهم**

الحمد لله رب العالمين والصلاة والسلام على سيدنا ومولانا  
محمد خاتم النبيين وعلى آله واصحابه أجمعين وعلى كل من  
تبعهم بإحسان إلى يوم الدين. أما بعد!  
علماء، طلاب و حضار عزیز و بزرگوار!

بزرگترین انعام و احسان خداوند آن است که امروز در دارالعلوم کراچی در  
طول سال تحصیلی آخرین درس قرائت می گردد.

مطابق با روایات مدارس دینی ما، این آخرین درس صحیح بخاری و آخرین  
باب از احادیث می باشد. امروز که این جلسه پر خیر و برکت برگزار می گردد،  
یافتن الفاظی که بتوانیم به وسیله آن شکر خداوند را ادا کنیم مشکل است،  
خداوندی که با فضل و کرم خویش این سال تحصیلی را به مرحله تکمیل رساند.

**جدائی و فراق حضرت مولانا سبحان محمود /:**

و از سوی دیگر دل و دماغ متأثر از این است که این آخرین درس حدیث  
بخاری شریف از سال 1396 هـ (مطابق 1976 م) توسط پدر بزرگوارم، مفتی  
اعظم پاکستان مولانا مفتی محمد شفیع (قدس الله سره) برگزار می شد و بعد از  
وفات ایشان از سال 1396 هجری مخدوم بزرگ و استاد شیخ الحدیث مولانا  
سبحان محمود صاحب (قدس الله سره) این مسوولیت را به نحو احسن انجام  
می دادند و تا سال گذشته 1419 هـ (مطابق با 1998) ما و شما از درس ایشان  
استفاده می کردیم.

ایشان نیز امروز حضور ندارند و هم اکنون عدم وجود ایشان از عالم هستی بر  
قلب و روح ما بسیار گران تمام می شود. امیدوارم خداوند عزّ وجل با فضل و کرم  
خویش او را در رفیع ترین مقام ها قرار دهد و فیوضات ایشان را همیشگی بگرداند  
و خداوند به ما توفیق عمل و طاعت عنایت فرماید. (آمین).

## بزرگترین فاجعه دین:

در دنیا تاکنون هیچ غم و اندوهی بزرگ‌تر و سخت‌تر از این غم و اندوه پیش نیامده که بعد از وفات حضرت رسول اکرم (پ) برای صحابه (رضوان الله تعالی علیهم اجمعین) پیش آمد.

صحابه رضی الله تعالی عنهم حاضر بودند در مقابل یک نفس کشیدن حضرت رسول اکرم (پ) هزاران جان را فدا کنند. لیکن این از قوانین لا یتغیر الله عز و جل است که هیچ کسی را مجال چون و چرا نیست و هر مؤمن چاره‌ای جز تسلیم و قانع‌بودن به قضاوت و تقدیر خداوندی ندارد.

غم و اندوه یک مورد فطری و طبیعی است، بلکه حق سبحانه و تعالی حکمت دانسته است و هیچ مسلمانی حق اعتراض بر این غم و ناراحتی که تقدیر و قضاوت خداوندی است را ندارد و باید در مقابل این قضاوت سر تسلیم پایین بیاورد و این است تفسیر: ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا لَا تَحْزَنُوا عَلَى الْقَوْلِ فِي رَسُولِ اللَّهِ إِنَّهُ كَانَ لَا يَمْلِكُ لَكُم شَيْئًا وَلَا يَضُرُّكُمْ شَيْئًا﴾. امروز در این جلسه پرخیر و برکت علماء و اولیاء و صلحاء اجتماع فرموده اند. من از شما شخصاً تقاضا دارم که امروز در این جلسه برای مغفرت مولانا قدس سره و بلندی درجات و صبر جمیل برای بازماندگان و توفیق پیروی از علمای امت دعای ویژه بفرمایید.

## روش تدریس کتب حدیث:

در مدارس دینی ما روش تعلیم و تدریس کتب حدیث به این نحو است که طلبه عبارت را قرائت می‌نماید و استاد پس از شنیدن، تصدیق و تأیید می‌نماید و بعد از شنیدن و تأییدنمودن معانی و مطالب، مفاهیم و همچنین مسایل مربوطه به حدیث را مفصلاً بیان می‌کند.

روشی که امروزه در مدارس دینی ما وجود دارد، غیر از مدارس پاکستان، هندوستان و بنگلادش<sup>(۱)</sup> در هیچ جای دنیا یافت نمی‌شود. امید است خداوند این توفیقات را همیشه نصیب ما بگرداند و آن را قایم و دایم نگهدارد.

(۱) - هم اکنون در ایران، در حوزه‌های علمیة اهل سنت نیز این روش وجود دارد. (مترجم).

چهار کتاب مشهور حدیث (صحیح بخاری، صحیح مسلم، سنن ترمذی و سنن ابوداود) را طلاب از اول تا آخر کتاب در مقابل استاد نشسته می‌خوانند و این روش تعلیم و تدریس در هیچ جای دیگر از دنیا رایج نیست. برعکس نصاب درسی حدیث را که امروزه در مدارس و دانشگاه‌ها رواج داده‌اند، فقط تعیین چند باب منتخب است که فقط و فقط به همان احادیث منتخب اکتفا می‌کنند و در مورد حفظ اسناد احادیث منتخب هیچ برنامه‌ای وجود ندارد؛ همچنین در مورد حفظ روایت هم هیچ جدّیتی صورت نمی‌گیرد.

### خواندن سند حدیث قبل از قرائت متن حدیث:

بنابراین که بزرگان مدارس ما این روش را از دارالعلوم دیوبند تجویز نموده‌اند که الحمدلله امروز ما توفیق عملی کردن آن را داریم، چنانچه این حدیث در آخرین باب از صحیح بخاری به رشته تحریر درآمده است. طلبه عزیز، مولوی محمد اظهر بن مولانا منظور احمد سلمه الله آن را در خدمت‌تان قرائت کرد. قبل از بیان توضیحاتی در مورد حدیث مذکور در این باب به عنوان تشریح سخنانم باید عرض کنم چنان که دیدید این طلبه قبل از قرائت متن حدیث، لیستی طولانی از اسامی بزرگوار را پی در پی خواند. باید بگویم این اسامی مکتوب نیستند، بلکه ایشان این اسناد معتبر را خواند و بعد حدیثی را که امام بخاری روایت کرده‌اند قرائت کرد.

روش قرائت احادیث در مدارس دینی ما بدین صورت است که هنگام درس قبل از خواندن عبارت حدیث، طلبه می‌گوید «**بِالسَّندِ الْمَتَّصِلِ مِنَّا إِلَى الْإِمَامِ الْبُخَارِيِّ / (قَالَ حَدَّثَنَا)**» و بعد به طور خلاصه و اختصار به «**بِهِ قَالَ حَدَّثَنَا**» اکتفاء می‌کند، اما هنگام رسیدن به آخرین حدیث طلبه مناسب می‌داند که به جای اختصار، از ما گرفته تا رسول اکرم  $\text{p}$  همه واسطه‌ها را ذکر نماید تا بعد از بیان واسطه‌ها، اصل حدیث که از نخستین شخص بزرگوار به نقل از پیامبر  $\text{p}$  روایت شده است، قرائت گردد.

**سند حدیث از خصوصیات امت محمدیه است:**

ظاهراً این مسأله عادی به نظر می آید، اما اگر با چشم دل و بصیرت بنگریم حکمت و فلسفه‌ای بس بزرگ برای من و شما نمایان می گردد که قرائت سند احادیث مقام درسی را بالاتر می گرداند.

مطلب آغازین این است که سندی را هم اکنون این طلبه قرائت کردند، در این سلسله سند از استاد بزرگوار بنده گرفته تا جناب محمد مصطفی p و کلیه اسامی اصحاب و بزرگواران که ذکر شدند، گویای این حقیقت است که هریکی از احادیث معتبر به ما رسیده است و این سلسله اسامی با نام حضرت رسول اکرم p خاتمه می یابد. سپس به متن حدیث رسیدیم توسط این پاک طینتان است که ما امروزه علم حدیث را به راحتی قرائت می کنیم و این سعادت است بس عظیم آن هم فقط نصیب امت محمدیه p «**علی صاحبها الصلاة والسلام**» شده است، چرا که در هیچ جای دیگری از کره زمین چنین سعادت نصیب نشده است، و هیچ ملت و مذهبی نمی تواند ادعا کند و با اطمینان بگوید که سخنان مقتدا و پیامبر آنان با این چنین روشی یقینی به آنها رسیده است، این ادعا را نه ملت یهود در باره تورات و نه مسیحی ها و نصرانی ها در باره انجیل می توانند بکنند. هنگامی که مدعیان کتب آسمانی نمی توانند این ادعا را ثابت کنند، پس چگونه می توانند در باره سخنان و سنن پیامبران خودشان حرفی به میان آرند؛ زیرا دلایل و اسنادشان غیر معتبر می باشد.

### تورات و انجیل قابل اعتماد نمی باشند:

امروزه اگر از بزرگترین علماء یهود پرسیم که این توراتی که شما آن را کتاب آسمانی خدا می دانید برای اثبات این چه دلیل و سندی دارید؟ و آیا دلیلی دارید که این همان تورات منزل بر موسی v از جانب خداوند است؟ آنها جواب قانع کننده ندارند.

حالت پیروان انجیل نیز به همین صورت است، آنها نیز عبارت انجیل که بر عیسی v نازل شده است را کاملاً تغییر داده اند، و کتابی که به نام انجیل موجود است چیزهایی است در مورد احوال زندگی عیسی ؛ که مسیحیان آن را جمع نموده و ادعا را می کنند که از منبع الهام جمع شده اند.

اما امروزه آنها چه مدرکی دارند که در این نوشته‌ها هیچگونه تحریفی صورت نگرفته و همان مکتوبات قبلی باشند، به صراحت می‌گوییم که هیچ مدرک و سندی برای صداقت کتب خویش ندارند.

### احادیث قابل اعتماد هستند:

اما خداوند عزّ وجلّ این عزّت و اعزاز را به امت محمدیه عطا فرموده است که تمامی اقوال و افعال و تقاریر نبی کریم  $\text{p}$  را می‌توانیم با اطمینان قلب و صداقت به آن حضرت  $\text{p}$  نسبت دهیم و اگر اعتراض شود که شما از کجا این همه به احادیث منقول از رسول اکرم  $\text{p}$  یقین دارید؟ در جواب با جرأت و اطمینان کامل، تمام سند حدیث که جمعاً لیستی از صحابه کرام و راویان ثقه و معتمد می‌باشند را تقدیم می‌کنیم. چنانچه برای نقل یک حدیث اسناد بسیار معتبری را در دسترس داریم و به عنوان مثال سند آخرین حدیث را این طلبه خدمت شما قرائت نمود و شما هم دیدید.

### زندگی‌نامه روایان حدیث محفوظ است:

مطلب این نیست که تمام سلسله نسب اساتید از ما گرفته تا ذات مبارک رسول اکرم  $\text{p}$  بدون تردید محفوظ است، بلکه شما برای نمونه بر روی نام یکی از این پاک طینتان انگشت بگذارید و پرسید که او چگونه انسانی است و در چه زمانی از مادر متولد شده و در محضر چه اساتیدی علم حاصل نموده و اخلاق و سیره ایشان چگونه بوده است؟ جواب کافی و مستدلّ موجود است و حتی کلیه زندگی‌نامه هریکی از ایشان (راویان) در کتب معتبر محفوظ می‌باشد.

هم اکنون کتاب صحیح بخاری که در مقابل حضرات گرامی گذاشته شده مشتمل 1128 صفحه است و همانطور که مشاهده می‌فرمایید در هر صفحه‌ای تقریباً 10 تا 11 حدیث شریف ذکر شده و برای نقل هر حدیث نام چندین تن از راویان معتبر بیان شده است، حال شما نام یکی از راویان را انتخاب نمایید. بعد به یکی از علماء کرام بگویید که مثلاً احوال زندگی این راوی را بیان فرماید، و به

استحضار می‌رسانم که احوال زندگی هر راوی از ولادت تا وفات وی در تمام کتاب رجال مدون و محفوظ است.

حال این سوال مطرح می‌شود که چرا احوال زندگی آنها از ولادت تا وفات کاملاً به رشته تحریر درآمده است؟ جواب این است که چون آنها احادیث رسول الله P را روایت نموده اند، باید مشخص شود که آیا بر روایت حدیث وی می‌توان اعتماد کرد یا خیر. لذا علمای جرح و تعدیل تمام مشخصات یک راوی را بیان نموده اند تا با توجه و شناخت از شخصیت، امانت، صداقت و دیانت وی می‌توان به حدیثی که روایت نموده یقین نمود یا خیر.

### زحمات علمای جرح و تعدیل:

حالات راویان حدیث فقط بنا بر سخنان شنیده شده نیست، بلکه برای تحقیق و بررسی احوال هریکی از راویان، خداوند - جلّ شأنه - علمای بزرگی را برای شناخت جرح و تعدیل احادیث، آنچنان ذکاوتی عطا نموده که از جوانب زندگی راویان حدیث نیز اطلاع کافی دارند.

این مقوله مولانا انور شاه کشمیری / را من از زبان مبارک پدر عزیزم مولانا مفتی محمد شفیع / شنیدم که می‌فرمود: خداوند متعال به حافظ شمس الدین ذهبی / چنان ذکاوت و استعدادی برای شناسایی رجال حدیث عنایت فرموده بود که اگر چنانچه تمام راویان حدیث را در یک میدان وسیعی جمع می‌کردند و بعد حافظ شمس الدین را بر بالای منبر می‌بردند ایشان می‌توانست با اشاره انگشت به طرف هریکی از راویان، تمام احوال و مقام و رتبه ایشان را تک تک بیان فرمایند و خداوند - جلّ شأنه - به ائمه جرح و تعدیل مقام رفیعی را عنایت فرموده است. امروزه بعضی‌ها بسیار مخفیانه می‌گویند که ما نیز اهل اجتهاد هستیم چون که ما هم در علم حدیث و قرآن همان مرتبه و مقام را داریم که خداوند به گذشتگان عنایت فرموده است، این گروه مدعی این مقوله هستند که: «هم رجال ونحن رجال» لیکن حقیقت این است که «نه هر که سر بتراشد قلندری داند».

حافظه، علم، تقوی، زحمات، شوق و عشق الهی را که خداوند به آن دسته از علماء ارزانی داشته، هیچ توجیه و اقراری به غیر از این نیست که خداوند آنها را



برای اهداف خاصی به وجود آورده که آنها بتوانند سخنان رسول گرامی P را حفظ نمایند.

### داستان یک محدث:

علامه خطیب بغدادی / در کتاب «الکفایة» که یکی از کتب مشهور اصول حدیث است قول یکی از ائمه جرح و تعدیل را نقل فرموده که ما برای تحقیق احوال از راویان حدیث به منطقه و روستای وی می‌رفتیم. (رفتن به این نوع بود که هنگامی که مشخص می‌شد که فلان شخص در فلان شهر زندگی می‌کند و حدیث روایت می‌کند و آن شهر هزاران کیلومتر دور بود و در آن عصر هواپیمایی وجود نداشت که با سفر هوایی در طی 2 الی 3 ساعت به آن شهر برسند، بلکه در آن عصر مسافرت با اسب و شتر و یا با پای پیاده صورت می‌گرفت و این سفر تحقیقی به این علت بود تا مشخص گردد راوی که این حدیث یا فلان حدیث را روایت نموده چه مقام و منزلتی دارد؟).

لذا به محل سکونت وی می‌رفتیم و در باره احوال وی تحقیق و تفحص می‌نمودیم و حتماً از همسایگان و دوستان و نزدیکان وی در مورد احوالش سوال می‌کردیم که وی چگونه شخصیتی است و این که چگونه نماز و روزه را ادا می‌کند؟ و در معاملات چگونه است و یا از لحاظ اخلاقی در چه مرتبه‌ای قرار دارد - و کلیه مشخصات او را می‌گرفتیم و به حدی تحقیق و جستجو می‌کردیم که گاهی اوقات مردم می‌پرسیدند: آیا می‌خواهید در اینجا دخترتان را به نکاح کسی درآورید که این همه تحقیق و بررسی می‌کنید؟ ما در جواب می‌گفتیم: اصلاً چنین هدفی در کار نیست، هدف از جستجو این است که فلانی حدیثی را از حضرت رسول اکرم P روایت نموده اند و ما با این تحقیقات می‌خواهیم بدانیم که آیا می‌توان بر روایت ایشان اعتماد کرد یا خیر؟

### فن أسماء الرجال:

به همین صورت علماء جرح و تعدیل حالات هریکی از راویان را جداگانه تحقیق نموده و کتبی در فن شناخت اسماء الرجال جداگانه و مرتب گذاشته شده

اند که یکی از آن کتب در این فن در 30 جلد وجود دارد و همچنین در این کتب به ترتیب حروف الفبا از روی اسامی راویان- حالات آنها را درج نموده اند- برای اطمینان بیشتر می توانید کتاب بخاری شریف یا یکی از کتب صحاح سته یا هر کتاب حدیثی که باشد را در نظر بگیرید و بعد از آن بر حدیثی انگشت بگذارید و یکی از راویان آن حدیث را انتخاب کنید. کاملاً و بدون هیچ مشکلی می توانید تمام احوال زندگی آن راوی را به ترتیب حروف الفبا در کتب اسماء الرجال مورد بررسی قرار دهید.

### **بدون ذکر سند حدیث غیر قابل قبول می باشد:**

تا زمانی که کتب حدیث (صحاح سته) و... هنوز منتشر نشده بودند، قانون این بود که اگر شخصی حدیثی را بیان می نمود باید سندش را نیز بیان نماید که فرضاً این حدیث را من از فلانی شنیده ام و فلانی از فلانی شنیده است، لذا باید قبل از قرائت حدیث اول سند را ارایه می داد و بعد حدیث را قرائت می نمود، با این حساب حدیث وی قابل قبول واقع می شد و اگر چنانچه شخصی بدون سند حدیثی را بیان می نمود، هیچکس حاضر به شنیدن سخنان وی نبود.

### **مقام و حیثیت سند بعد از منتشر شدن کتب حدیث:**

خداوند به محدثین مقام و درجات عالی و رفیع نصیب فرماید. (آمین!) آنها کلیه احادیث را به صورت صحیفه ها درآورده اند. لذا با احاله به کتب حدیث که به درجه تواتر رسیده اند، نیازی به حفاظت و تحقیق بیشتر از سند نیست. چون که فرضاً از طریق تواتر به اثبات رسیده که این کتاب روایت امام بخاری / است. لذا بیان نمودن سند برای احادیث ضروری نیست، بلکه بعد از بیان کردن هر حدیث گفتن رواه البخاری کافی است.

لیکن با وجود این همه بزرگان ما روشی را ترتیب داده اند که هنگام قرائت هر حدیث سند طولانی بیان نمی شود، اما بنابر روایت و اجازه حفاظت نمودن آن سند ضروری است. چون که اگر قبل از قرائت هر حدیثی سندی طولانی بیان شود، برای مردم دشوار می شود. لذا فقط گفتن راوی آن روایات بدون واسطه ها

کافی است؛ زیرا اگر راوی بالفرض امام بخاری / باشد، فقط رواه البخاری گفتن کافی است؛ چون سلسله اسامی از ما تا امام بخاری در تمام سندها در نزد ما محفوظ است که امروز این طلبه عزیز در حضور ما حدیث را قرائت نمود، لذا این تحقیق ظاهری سند بود.

### راویان حدیث، مناره نور هستند:

این حدیث از اهمیت معنوی برخوردار است و آن این که بندگان نیکی را که خداوند متعال برای حفاظت سخنان رسول خویش پ انتخاب فرموده، این از سعادت و خوش نصیبی آن بزرگواران است. و (این سعادت به زور باز و نیست - تا نبخشد خدای بخشنده). این سعادت را خداوند فقط به کسانی عنایت فرموده که آنها را برای این فن انتخاب فرمود؛ زیرا هرکسی را بهرکاری ساخته اند؛ و به هرکسی که خداوند بخواهد این سعادت را عطا می فرماید. لذا هریکی از آنان تاج سر ما می باشند، و خداوند در ذات و شخصیت آنها برکاتی را نهفته است. و دعا می کنیم خداوند تلاش آنان و سعی و کوشش ما را مورد قبول درگاه خویش قرار دهد.

### مثلی زیبا برای راویان حدیث:

شیخ بنده حضرت داکتر عبدالحی (قدس الله سره) در این باره مثالی زیبا بیان نموده اند و فرموده اند: شما در مسیر راه چوب برق را مشاهده می کنید که توسط آن به منازل ما برق می رسد. حال این لامپ که روشن می گردد نورش از کجاست؟ این نور از چندین تیر برق است که نهایتاً به لامپ می رسد و سلسله این چندین چوب برق به موتورخانه برق وصل می گردند و منبع اصلی نور لامپ ها از موتور خانه است و برای روشن نمودن لامپ ها فشار دادن کلید کافی است که در این صورت جریان الکتریسته در لامپ توسط تیرهای برق از موتور خانه به سیم های ارتباطی داخل می شود و نور تولید می کند. همچنین از ما گرفته تا ذات مبارک حضرت رسول اکرم پ تمام سلسله اسامی سند به این ترتیب می باشد که واسطه ها همان تیرهای برق هستند که ما را به منبع اصلی یعنی به موتور خانه برق

(رسول اکرم p) می‌رسانند. یعنی هنگامی که شما می‌گویید (حدثنا فلان) گویا کلید برق را زدید و در نتیجه شما توسط این (سلسلة الذهب) یعنی این زنجیر طلایی (واسطه‌های معزز) به راه راست در علوم نبوی p مستقیم به موتور خانه ذات مبارک حضرت رسول p متصل می‌گردید، لذا آن علم به ما نور می‌بخشد. بدین ترتیب هر شخصی که در سلسلة الذهب داخل گردید رابطه خودش را با دیگر راویان برقرار نموده است، امیدوارم خداوند هرگاه باران رحمت خویش را بر بندگان نیکش (راویان حدیث) می‌باراند، بنده حقیر را که در این سلسلة الذهب همراه شده‌ام قطره‌ای از آن باران رحمت نصیب گرداند.

همراه شدن در این سلسلة الذهب نعمت و سعادت است بس عظیم. امروزه من و شما احساس این نعمت عظمی را نمی‌کنیم. لیکن وقتی چشمان ظاهر بسته گردند و در بارگاه خداوندی حاضر شویم آن وقت خواهیم دانست که وابستگی و تعلق به این سلسلة الذهب چه فایده عظیمی را دربر دارد.

### انسان در روز قیامت با چه کسانی همراه خواهد بود:

شیخ / سخنانی را که ایراد می‌فرمودند از این حدیث ثابت است و آن این که صحابی ای عرض کرد یا رسول الله p من هیچ عمل زیادی ذخیره ندارم لیکن من با خدا و رسولش محبت دارم؛ حضرت رسول اکرم p فرمودند: سرانجام انسان با افرادی می‌باشد که با آنها محبت دارد و اگر چنانچه شما با خدا و رسولش محبت کنید، سرانجام شما نیز به همراه آنها خواهید بود، (انشاء الله).

صحابه ۱۷ فرمودند: هیچ روزی ما تا این حد خوشحال نبودیم به قدری که امروز بعد از شنیدن این سخن خوشحال شدیم که حضرت رسول اکرم p فرمودند: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ».

به هر حال، هنگامی که با محبت نمودن و اظهار عقیده با سلسلة الذهب با آنان پیوند برقرار نمودیم، مطابق این حدیث که این وعده را فرموده که: «الْمَرْءُ مَعَ مَنْ أَحَبَّ» - ان شاء الله - خداوند لطف و کرمش را شامل افرادی کند که با

سلسلة الذهب پیمان می‌بندند. این بحث مختصر پیرامون سندی بود که این طلبه عزیز خدمت شما قرائت نمود.

مقام و منزلت صحیح بخاری  
امام بخاری / از گروه محدثینی هستند که تمام اُمت بالاجماع در باره کتاب ایشان می‌فرمایند که صحیح‌ترین کتاب بعد از کلام الله مجید، کتاب صحیح بخاری است و این اتفاق نظر را بی‌جهت نگفته‌اند، بلکه علمای جرح و تعدیل پس از تحقیق و جستجوی فراوان در باره هریکی از احادیث و بعد از مراجعه زیاد به جرح و تعدیل به این نتیجه دست یافته‌اند که بدون شک کلیه مذاهب بر این نظر متفق‌اند که کتاب صحیح بخاری در مقام اصح الکتب بعد کتاب الله قرار گرفته است.

امام بخاری / از این هفت هزار حدیث، احادیثی را برگزیده‌اند که همه آن احادیث منتخب‌اند که در صحیح بخاری به رشته تحریر درآمده‌اند.

### **اهتمام ویژه به نوشتن احادیث:**

امام بزرگوار قبل از تحریر هر حدیثی غسل می‌فرمود، بعد از آن دو رکعت ادا کرده و استخاره می‌نمود. هدف از استخاره این بود که از خداوند طلب مشورت می‌نمود که: بار الها! من با زحمت و تلاش خویش و طبق معلومات خودم بی‌تردید تحقیق نموده‌ام. لذا حدیث را به گمان خودم صحیح دریافتم و آیا این حدیث را به رشته تحریر درآورم یا خیر؟ اگر چنانچه بعد از مشورت الهی اطمینان خاطر حاصل می‌شد و خداوند انشراح صدر عنایت می‌فرمود، آن حدیث را در کتاب می‌نوشتند.

### **ظرافت در تراجم ابواب:**

از یک طرف احتیاط و خداترسی وجود داشت و از طرفی دیگر کتاب را طوری ترتیب دادند که برای آن عناوینی را تعیین نمودند که به آنها «تراجم ابواب» گفته می‌شود و حیثیت علم جداگانه را دارند که در حدود یک هزار سال

علماء تاکنون در اعماق دریای گوهر آگین آن غوطه می‌زنند و تاکنون هیچ کسی مدعی نیست که توانسته تمام مرواریدهای آن را کشف کند.

### علت آوردن کتاب التوحید در آخر:

چنانچه این آخرین باب و حدیث کتاب صحیح بخاری است، در این جا نیز امام بخاری / روش عجیبی را اختیار نموده اند و آن این که امام بخاری / کتاب‌شان را با کتاب التوحید به پایان رسانیده اند.

چنانچه کتاب را با باب (بدء الوحی) و با حدیث «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» آغاز نمودند، و بعد از آن کتاب الایمان و بعد کتاب العلم و بعد در تمام شئون زندگی هرچه حدیث هستند، ابواب‌شان را بیان فرموده اند و کتاب التوحید را در پایان ذکر نمودند. ظاهراً باید اینطور می‌بود که آنجا که کتاب الایمان را ذکر کردند همانجا نیز باید کتاب التوحید ذکر می‌شد؛ چرا که توحید بزرگ‌ترین و عالی‌ترین درجه ایمان و اساساً اولین شرط ایمان است، لذا توحید با ایمان کاملاً پیوسته و ارتباط خاصی دارد.

اما امام بخاری / ابتدا کتاب الایمان و بعد ابواب مختلفه دیگر را و در پایان کتاب التوحید را آوردند. حال این سوال مطرح می‌شود که دلیل امام بخاری / برای این کار چیست؟ شارحین احادیث با قیاس خود جواب این سوال را دریافته اند که هدف امام از این روش‌ها چه می‌باشد؟

ا- گروهی می‌گویند: این که ابتدا کتاب الایمان را آغاز نمود به این خاطر است که مسلماً اموری که ایمان را اقتضاء می‌نماید الزامی است. یعنی باید دانست بعد از ذکر ایمان، امام / مقتضیات ایمان را بیان کرده اند که ایمان به چه چیزی لازم است، و در کتاب التوحید مقتضای سلبی ایمان را بیان می‌نمایند. یعنی چه عقایدی اشتباه و خطا، و چه عقیده‌ای باطل و گمراه‌کننده است تا نظر گمراهان که عقائد باطله دارند ردّ و ابطال گردد.

ب- باز گروهی از علماء می‌فرمایند: هدف امام بخاری / این است که اسلام فقط توحید است. لذا اسلام ناب از ایمان آغاز می‌گردد و با توحید اختتام می‌پذیرد.

ج- گروهی دیگر می‌فرمایند: این روش مصداق این حدیث حضرت رسول اکرم  $\text{p}$  قرار می‌گیرد که می‌فرمایند: «**مَنْ كَانَ آخِرَ كَلَامِهِ لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ: دَخَلَ الْجَنَّةَ**»<sup>(۱)</sup> یعنی «هرکسی که آخرین کلام وی کلمه طیبه (توحید) باشد، داخل بهشت می‌گردد». و از آنجایی که عبارت توحید کلمه طیبه «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**» می‌باشد. کتاب التوحید را از نظر ترتیبی در آخر ذکر فرمودند تا آخرین کلام، الفاظ «**لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ**» شوند، و مصداق حدیث شریف حضرت رسول اکرم  $\text{p}$  گردد. به هر حال، رأی محدثین در این رابطه مختلف می‌باشد. قضاوت امر با خداوند کریم است که امام صاحب / چه موردی را مدّ نظر خویش داشته اند.

چرا قبل از اختتام کتاب با الفاظ توحید -آن را در اینجا به پایان رسانید که

باب قوله تعالى: ﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَنَّانُ﴾

﴿لَا إِلَهَ إِلَّا اللَّهُ الْمَنَّانُ﴾

در جواب باید گفت: این باب را بنا بر رهنمودهای خداوند متعال قائم نمود

که ما ترازوی عدل را در روز قیامت قرار می‌دهیم، و هدف امام بخاری / با

قائم‌نمودن این باب، رد بر عقیده معتزله است که می‌گویند که «وزن اعمال

حقیقت ندارد».

مهمترین سرّی که در اختتام کتاب التوحید بر وزن اعمال بوده است این که خاتمه زندگی پرمشقت انسان بر روز اعمال است، لیکن این زندگی در ابتدا از نیت آغاز می‌گردد. بنابراین، امام بخاری / کتاب‌شان را با «**إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ**» آغاز نمودند، و بعد از آن انسان در طول زندگی خویش اعمال

مختلفی انجام می‌دهد تا هنگامی که موت به سراغش می‌آید و بعد از مردن زندگی برزخ آغاز می‌گردد و بعد از عالم برزخ برای حساب و کتاب به محضر خداوند حاضر می‌شود و در آنجاست که اعمال وزن می‌شوند و بعد از وزن اعمال جزا و سزا به شکل جنت و جهنم آشکار می‌گردند.

لذا خداوند متعال قبل از جزا و سزا، اعمال را وزن می‌فرماید که نتیجه‌اش تعیین جزا و سزا می‌باشد. پس کاملاً هویداست که خاتمه زندگی پرمشقت انسان بر وزن اعمال گذاشته شده است و بنابر همین استنباط می‌باشد که امام بخاری / اختتام کتاب‌شان را با کتاب التوحید، باب (وزن اعمال) آغاز نمودند و بدین

صورت باب را آغاز فرمودند که: ﴿بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ﴾  
 ﴿وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا وَكُنَّا لَهُ مُشْكِرِينَ﴾  
 ﴿وَالْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي هَدانا لهذا وَكُنَّا لَهُ مُشْكِرِينَ﴾.

### خداوند چه احتیاجی به گذاشتن ترازو دارد؟

در اینجا این سوال در ذهن مطرح می‌شود که خداوند متعال چه احتیاجی به گذاشتن ترازو برای وزن اعمال دارد. چون که خداوند «عالم الغیب» و «علیم بذات الصدور» است و از عمل و نیت هرکسی باخبر است و او می‌داند هر شخصی چه عملی انجام داده و می‌دهد. و مقتضای شأن خداوند آن است که در مورد هیچ یک از داوری‌های او کسی حقّ چون و چرا ندارد، چرا که خداوند عادل مطلق هستند.

بدون تردید هرکسی که خداوند را قبول دارد، این را نیز حقیقتاً می‌پذیرد که از جانب خداوند هیچ نوع ظلمی صورت نمی‌گیرد و تمام امور وی بر عدالت استوار هستند، چرا که می‌فرماید: ﴿وَلَا يَظْلِمُ شَيْءٌ عِنْدَ اللَّهِ شَيْئاً﴾  
 ﴿وَلَا يَظْلِمُ شَيْءٌ عِنْدَ اللَّهِ شَيْئاً﴾ (ق: 29).

لذا خداوند متعال بدون گذاشتن ترازو و بدون وزن اعمال هم کاملاً می‌تواند بر بهشتی یا جهنمی بودن شخصی حکم فرماید و احدی حق ندارد که بر این حکم الهی اعتراضی کند، چون که نزد هیچ کسی چنان حجتی موجود نیست که



توسط آن بتواند حکم و تقدیر الهی را رد کند؛ زیرا خداوند قادر مطلق، عالم مطلق و عادل مطلق است. لذا هیچ کسی را مجال چون و چرا نیست.

### انصاف خداوندی:

اراده الهی از قائم نمودن ترازو برای وزن اعمال این است که به مخلوق این درس را بیاموزد که من هیچ وقت برای سزای کسی حکم نمی‌کنم تا وقتی که در جلو روی وی برای اعمالش دلیلی را فراهم نمایم؛ و در روز قیامت سزای هر انسانی تعیین شده و به وی گفته می‌شود:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (سوره نساء: ۱) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (سوره نساء: ۱) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (سوره نساء: ۱) ﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّقُوا اللَّهَ ۖ إِنَّ اللَّهَ شَدِيدُ الْعِقَابِ﴾ (سوره نساء: ۱)

می‌شود، کتاب (اعمال) خود را بخوان (سعادت یا شقاوت خویش را بدان) کافی است که خودت امروز حسابگر خویش باشی (چه مسائل روشن است و نیازی به شاهد و حسابرس دیگری نیست)».

بنابراین، برای هر شخصی اثبات می‌شود که وی مرتکب اشتباهات و گناهانی شده است و هدف از وزن اعمال بدین خاطر صورت می‌پذیرد که نه فقط عدل قائم شده، بلکه حکم عدل و انصاف باید در مقابل طرف، علناً انجام گیرد تا کاملاً مشخص گردد که انصاف رعایت شده و کسی مجال اعتراض نداشته باشد. به همین علت علماء می‌فرمایند: قاضی اجازه ندارد با علم خود حکم را صادر نماید تا وقتی که جلوی روی وی دلیلی نباشد.

### اعمال غیر مجسم چگونه وزن می‌شود؟

قبلاً امام بخاری / ذکر فرمودند که: «وان أعمال بني آدم وقولهم یوزن» یعنی تمام اقوال و اعمال بنی آدم وزن می‌شوند. این قول را امام بخاری / بنابر رد عقل پرستان ذکر فرمود، چرا که آنها معتقدند که اعمال جسم نیستند که بتوان آنها را وزن نمود؛ زیرا فقط اجسام وزن کرده می‌شوند و اعمال أعراض هستند و چگونه می‌توان آنها را با ترازو وزن کرد؟

بعضی فقط معتقدند که اعمال نامه‌ها وزن می‌شوند و امکان وزن نمودن اعمال نیست. گروهی دیگر معتقدند که نامه اعمال وزن نمی‌شوند، بلکه هر شخص عمل کننده وزن می‌شود و هر انسانی که عملش خوب باشند به همان مقدار وزنش زیاد می‌شود و هر انسانی که اعمالش خوب نباشد وزن او کم می‌شود.

### **خداوند بر وزن اعمال قدرت کافی دارد:**

امام بخاری / با این الفاظ اشاره می‌کند که استنباط تمام این نظریات اشتباه می‌باشند، چرا که نیازی نیست که نامه اعمال وزن شود و حتی نیازی به این نیست که انسان وزن شود. چون حقیقت آن است که همانطور که قرآن فرمود که (اعمال وزن می‌شوند) باید کاملاً معتقد بود که اعمال وزن می‌شوند. در اینجا واضح می‌گردد که سوال در مورد چگونگی وزن اعمال بی‌فائده و فضولی است، چرا که خداوند متعال قادر مطلق است؛ همانگونه که در اجسام صلاحیت وزن را گذاشته است، می‌تواند آن صلاحیت را در اعراض نیز بگذارد.

فلاسفه و دانشمندان این عصر معتقدند که گرمی و سردی را می‌توان وزن نمود و انعکاس صدا نیز قابل وزن است. و وقتی که فلاسفه قادر به وزن سردی و گرمی و صدا هستند پس ذاتی که قادر مطلق است اگر اراده وزن اعمال را داشته باشد هیچ جای تعجب و سوال نیست.

### **عقل ما ناقص است:**

بنابراین، سوال که چگونه اعمال - که اعراض هستند - قابل وزنند فضولی و بی‌فایده به نظر می‌رسد، دیگر این که عقول محدود ما این مسأله را درک نمی‌کند که وزن اعمال به چه صورت و چگونه است؟

چرا که چیزی را که قادر مطلق در آن وقت انجام می‌دهد، ذات خودش بهتر می‌داند که کیفیت و تفصیلات آن چگونه است و نیازی به تحقیق برای تفصیل بیشتر آن نیست؛ چون ما در این دنیای فانی کوچک سرگردانیم و حقیقت یقینی عالم بالا را با این عقول ناقص نمی‌توانیم دریابیم، و فقط ایمان آوردن به همان

الفاظ قرآن به هر طریقه‌ای که نازل شده لازم است، چرا که برگزیدن این روش به صلاح ماست<sup>(۱)</sup>.

### نعمت‌های جنت ماوراء عقلمند:

به طور مثال در قرآن مجید آمده که در جنت میوه‌های از قبیل انار، خرما و ... وجود دارد حالا (والله اعلم) که چطور میوه‌هایی هستند. حقیقت این است که بدون شک نام آنها انار، خرما، و... است، اما میوه‌های جنت از نظر طعم، هیچ شباهتی با میوه‌های دنیایی ندارند؛ چون که در باره نعمت‌های جنت رسول اکرم (ص) می‌فرمایند:

«لا عين رأت ولا أذن سمعت ولا خطر على قلب بشر».

نعمت‌هایی که در جنتند، نه چشمی آنها را تاکنون دیده و نه گوشی حقیقت آنها را شنیده و نه چیزی از واقعیات آنجا در قلب کسی خطور کرده است. لذا دخالت و بحث‌نمودن در این موارد اشتباه است و یا این که بیندیشیم که ترازوی وزن چگونه است؟ اندازه‌اش چه قدر است؟ چگونه اعمال را وزن می‌نمایند؟ چرا که همه این سوالات بی‌موردند و فقط خداوند دانا و عالم است که اعمال چگونه وزن می‌شوند و حتماً هم وزن می‌فرماید.

### تصور نمودن وزن اعمال:

در اینجا هدف بیان نمودن وزن اعمال است، چنانچه اگر ما فقط همین یک گفته امام بخاری / را که «وان أعمال بني آدم وقولهم يوزن» را بر سر صفحه خویش بنویسیم که اعمال و اقوال بنی آدم وزن می‌شوند، بدون تردید از این دنیا و از تمام کارهای گناه و از ارتکاب جرایم و بدی‌ها اجتناب می‌ورزیم. امروزه که در دنیا اینقدر جرایم رخ می‌دهد علتش این است چون ما در فکر وزن اعمال نیستیم و اعتقاد کامل نسبت به این حقیقت نداریم.

(۱) - علاوه بر این سوال نمودن زیاد در مورد علوم غیر محققه، انسان را به کبایر و شرک مبتلا می‌سازد. (مترجم)

لذا امام بخاری / ما را نصیحت فرمودند که در این فکر باشید که این اعمال وزن می‌شوند، به همین خاطر مواظب باشید هر عملی که قبلاً در این کتاب بیان شده یکی یکی وزن کرده می‌شوند.

### هر کلامی که از زبان خارج می‌گردد وزن کرده می‌شود:

«وقولهم یوزن» نه تنها فقط اعمال وزن می‌شوند، بلکه هرچه از زبان تلفظ گردد نیز وزن می‌گردد. بنابر همین مناسبت در این باب ذکر این حدیث «كَلِمَتَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ» را آورده اند که این دو کلمه میزان را سنگین می‌کنند. لذا از این طریق مشخص می‌گردد که کلمات نیز وزن می‌شوند، و حدیث دیگری از رسول اکرم  $\text{p}$  است که می‌فرماید: گاهی اوقات انسان الفاظی را از زبانش خارج می‌سازد و هیچگونه پروایی نسبت به کلامش ندارد که چه چیزی گفته است. بنابراین، به وسیله همان یک کلمه مستوجب جهنم می‌گردد. لیکن گاهی اوقات انسان از زبان خود حرف‌هایی را خارج می‌کند و هیچ پروایی نسبت به کلامش ندارد که چه چیزی گفته لیکن به خاطر همان یک کلمه خداوند او را مستحق جنت می‌گرداند<sup>(۱)</sup>.

لذا سعی ورزیم الفاظ خارج شده از زبان را کنترل نماییم، چرا که بسیار اهمیت دارد؛ به همین خاطر بزرگان می‌فرمایند که قبل از صحبت کردن حرف‌هایتان را وزن کنید. در این رابطه سخن معروفی به اردو وجود دارد که می‌گوید: (پهلی بات کو تولو پهر بولو)<sup>۲</sup> هنگام صحبت کردن فکر کنید که آیا این حرف قابل گفتن است یا خیر؟ و این که آن حرف در آخرت وزن می‌شود یا نه؟ و آیا در آن موقع سرانجام و عاقبت من چگونه می‌شود؟

### اعمال شمرده نمی‌شوند:

(۱) - صحیح بخاری، کتاب الرقاق، باب حفظ اللسان.

۲- ضرب المثل مشهوری به همین مفهوم در زبان فارسی وجود دارد که: صدبار بیندیش یک بار بینداز.

هدف از این جمله اشاره به این است که در روز قیامت اعمال وزن می‌شوند، ولی شمردنی نیستند و کیفیت اعمال معتبرند که چقدر در عملش خلوص داشته، ولی شکل و صورت ظاهری اعمال غیر معتبرند؛ چنانکه خداوند در قرآن مجید می‌فرماید: ﴿مَنْ كَانَ يَتْلُو كِتَابَ اللَّهِ فَتِلَاوَةً يَتْلُوَهُ خَلْصًا لَا يَقْرَءُ لِنَفْسِهِ يَتْلُوَهُ سِرًّا وَلَا يُظَاهِرُ فِي تِلَاوَتِهِ يَرْجُو أَجْرًا لَدُنْ رَبِّهِ فَلَهُ أَجْرٌ عَظِيمٌ﴾ (ملک: ۲). «تا آزمایش بکند شما را در این که کدام یک از شما نیکوکارتر است».

در این آیه مبارکه لفظ «أَكْثَرَ عَمَلًا» را استعمال نفرمود. لذا اشاره‌ای است به این که هر عملی باشد بنگرید که آیا آن وزن کرده می‌شود یا خیر؟

### چگونه در اعمال خاصیت وزن کردن یافت می‌گردد:

اکنون این سوال پیدا می‌شود که در اعمال چگونه خاصیت وزن پیدا می‌شود، امام بخاری / با زبان حال می‌فرماید: اگر می‌خواهید روش پیدانمودن وزن اعمال را دریابید، حدیث اول این کتاب مرا بخوانید که: «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ» یعنی دار و مدار تمام اعمال بر نیت استوار می‌باشد.

خلاصه بحث این که اگر عملی را خالص برای رضای خداوند نیت نمایید، به وسیله این نیت در عمل شما خاصیت وزن پیدا می‌شود و اگر به اختصار بگوییم باید عرض شود که از انجام دو کار خاصیت وزن اعمال پدید می‌آید:

1- اخلاص.

2- اتباع سنت.

این هردو شرط برای به وجود آمدن وزن در اعمال ضروری و لازمند، به طوری که با عدم یکی از این دو شرط اعمال قابل وزن نمی‌گردند، اگرچه آن عمل خالی از دو شرط به نظر بزرگ آید.

### از ریاکاری وزن کم می‌شود:

اگر شخصی به ظاهر خیلی متواضع و با خشوع و خضوع نمازهای طویلی را ادا نماید و قرائت را طول دهد، اما هدف وی غیر از نشان دادن خود نباشد، نماز این نمازگزار نزد خداوند متعال بی‌ارزش است و قابل وزن نیست. و حتی موجب

ارتکاب کبایر می گردد، چنانچه حضرت رسول اکرم P می فرمایند: «مَنْ صَلَّى يَرَأَى لَقْدَ أَشْرَكَ بِاللَّهِ». «هرکسی که به خاطر ریا و برای نشان دادن به مردم نماز بخواند، به تحقیق برای خدا شریک قایل شده است».

یا مثلاً هزاران نوع مال خرج می کند. لیکن هدفش رضای الله نیست، بلکه می خواهد مردم به او لقب «سخی» را بدهند. لذا این عمل به خاطر سوء نیتی که داشته، قابل وزن نمی گردد. لیکن اگر فقط یک ریالی را خاص برای رضای خدا خرج نماید، چون نیتش خوب و نیکو بوده، خداوند عزّ وجلّ برای همین یک ریال بنده اش را که طالب رضامندی او بوده دارای وزن عظیمی می گرداند.

### از اتباع سنت وزن زیاد می شود:

مسأله مهمی که وزن اعمال را بیشتر می کند، اتباع سنت است. یعنی اگر مطابق روشی که رسول اکرم P فرموده اند، عمل کنیم اعمال قابل وزن می شوند و اگر غیر از آن طریق راه دیگری را انتخاب نمودیم اعمال قابل وزن نمی گردند. چنانچه هر چند اعمال بدعتی که انجام دهد اگر در آنها اخلاص هم باشد و خالص برای رضای خداوند متعال برپا گردد چون آن عمل مطابق گفته های گرانقدر رسول اکرم P نبوده، به آن عمل وزنی تعلق نمی گیرد و در باره چنین عملی قرآن مجید می فرماید:

﴿يَا أَيُّهَا الَّذِينَ آمَنُوا اتَّبِعُوا رَسُولَ اللَّهِ فَتُنقِلُوا عَنْكُمُ الرِّجْزَ الَّذِي أَثْقَلَ عَلَيْكُمْ وَأَنِقِلُوا عَنْ دِفْعَتَيْهِ سُرْعًا وَلَا تَتَّبِعُوا مَا يَتَّبِعُونَ مِنْ دُونِ أَمْرِ اللَّهِ فَأُولَئِكَ يَحْمِلُونَ ثِقَلَهُمْ حَمْلًا ثَقِيلًا﴾

«پس برپا نمی داریم برای اینگونه اعمال در روز قیامت هیچ وزنی را».

### صحیح بودن طریقه ضروریست:

امروزه اگر چنانچه شخصی از طریق غلطی وارد عملی گردد هرگاه به وی گفته شود که برادر! این عمل شما صحیح نیست، فوری جواب می دهد: نیت ما صحیح است و در حدیث وارد است که «إِنَّمَا الْأَعْمَالُ بِالنِّيَّاتِ». مردم بی علم فقط ظاهر حدیث را می بینند و حدیث را بی محل استعمال می نمایند. ما می گوییم که به خاطر بسپارید که تنها نیت کافی نیست. حقیقت این است که هر

عملی که مطابق دستورات حضرت رسول اکرم  $\text{p}$  نباشد، بدعت است هر چقدر نیات شما خالص برای رضای رب العالمین هم باشد هیچگونه وزنی برای آن عمل در قیامت صورت نمی گیرد.

بالفرض این مثال همان شخصی است که نیت مسافرت به لاهور را می کند، اما به قطار یا ماشین مسیر کویته سوار می شود. بله نیت او کاملاً صحیح، اما سواری را که اختیار کرده او را به کویته می برد. لذا به برکت نیتش، این سواری او را به مقصدش (لاهور) نمی رساند. به همین صورت اگر شما نیت دخول به جنت را دارید، اما اشتباهاً مسیر جهنم را اختیار می کنید. لذا به برکت این نیت هرگز به جنت داخل نمی گردید.

**تبصره:** لذا برای این که اعمال ما قابل وزن گردند به دو شرط اساسی ضرورت دارند: یکی اتباع سنت و دیگری اخلاص اند؛ با عدم یکی از این دو، قابلیت وزن عمل از بین می رود.

### توضیح لفظ قسط:

بعد (در ادامه) امام بخاری / می فرماید: «وقال مجاهد: القسطاس العدل بالرومية». عادت امام بخاری / این است که برای تصدیق و تثبیت تفهیم الفاظ، لفظی مناسب از قرآن را انتخاب نموده و لفظ مورد نظر را توضیح و تشریح می دهد، چنانچه مطابق با لفظ قسط، لفظ مناسب در قرآن مجید: ﴿قُلْ إِنَّمَا أَعِظُكُمْ بِوَعْدِ اللَّهِ إِنْ كُنْتُمْ تُحِبُّونَ الْحَيَاةَ الدُّنْيَا ۖ إِنَّمَا الدُّنْيَا طُغْيَانٌ ۖ وَإِنَّمَا الْآخِرَةُ خَيْرٌ لِّمَنِ هُوَ الْغَافِلُ ۚ﴾ را انتخاب کرده و توضیحش را اینطور بیان نموده اند که: القسطاس العدل بالرومية. یعنی: لفظ قسطاس به زبان رومی به معنی عدل است. «ويقال القسط مصدر المقسط» و این هم گفته می شود که لفظ قسط مصدر مقسط است.

در اینجا این کلام بسیار تعجب انگیز است که لفظ قسط ثلاثی مجرد است و مقسط ثلاثی مزید است. لذا چطور لفظ مقسط مصدر قسط قرار می گیرد. امام بخاری / اشاره می فرماید که این لفظ از اضداد است، یعنی دارای دو معنی است و

هر دو معنا با یکدیگر متضادند که در یک معنا انصاف و در معنای دوم ظلم استعمال می‌گردد. لیکن هنگامی که این لفظ را از باب افعال فرض می‌نماییم در این صورت معنایش انصاف کننده است.

لیکن وقتی که در مجرد قَسَطٌ یَقْسُط استعمال گردد، در این صورت معنایش ظلم کننده می‌شود. لذا این لفظ در میان دو معنی مشترک است. لیکن هنگام استعمال نمودن، اکثر در میان باب‌ها فرق ایجاد می‌گردد و گاهی اوقات برعکس استعمال می‌شود، این که در بابی دیگر از مجرد به معنی انصاف و از باب افعال به معنی ظلم استعمال می‌شود.

### واقعه حجاج بن یوسف ثقفی:

حجاج بن یوسف ثقفی<sup>۱</sup> از امرای مشهور در تاریخ اسلامی است، علماء حفاظ و قراء زیادی را شهید ساخت. وی سعید بن جبیر / را که در میان تابعین شخصیت بلندپایه‌ای است احضار نمود و گفت: رأی شما در باره من چیست؟ در این موقع شخصیتی ظالم مانند حجاج از انسانی متواضع همانند جبیر / می‌پرسد که رأی شما در باره من چیست؟ اگر سعید بن جبیر / حقیقت را بگوید چاره‌ای جز تن دادن به سر بردن ندارد، و بی‌شک حکم حجاج قابل اجراست و اگر چنانچه سعید خلاف تصور ذهن خویش چیزی بگوید این عمل پسندیده نیست.

این بود که سعید بن جبیر / علاوه از حق چیزی دیگر را نپسندید و آن را بر غیر حقیقت ترجیح داد و جواب داد که: أنت القاسط العادل، گرچه معنی (قاسط) ظلم کننده یا انصاف کننده استعمال می‌گردد، اما ذکر نمودن لفظ (العادل) بعد از لفظ (القاسط) معنایش را تعیین می‌کند که در اینجا مراد از قاسط (عادل) است،

1- قابل یاد آوری است که اگر چه حجاج بن یوسف ثقفی یک امیر ظالم بود و برخی از علمای خوبی را به قتل رساند اما در مقابل خوبیهای هم دارد، از آنجمله: سرزمین های زیادی از جمله هند، سرزمین سند و قسمت‌های از افریقا و اندلس زیر سرپرستی و کوشش‌های مستقیم او فتح شده اند، این را از باب عدل و انصاف ذکر کردیم و الا ظلم ایشان معروف است. مصحح.



چنانچه مردم بعد از شنیدن حرف وی حیران و متعجب شدند که ایشان در حق حجاج جمله مدح و ستایش و تعریف به کار می برد، اما از آنجایی که حجاج ادیب بسیار ماهر در لغت عرب بود، وقتی دید که مردم این جواب را تعریف می پندارند، گفت: شما نمی دانید که او چه گفت، او گفت (تو ظالم و کافر) هستی، چرا که اگر قاسط مجرد ترجمه گردد، عموماً معنایش ظالم است و با لفظ عادل، به این آیه قرآنی اشاره نموده که ﴿وَلَا يَجْعَلْ لَكُمْ دِينًا كُفْرًا﴾<sup>(۱)</sup>

الله در این آیه برای کفر و شرک لفظ عادل را آورده است، لذا نتیجه این می شود که این شخص مرا جمعاً ظالم و کافر گفت. در این موقع سعید بن جبیر / از الفاظ فایده گرفتند. امام بخاری / در ادامه می فرماید، اَمَّا الْقَاسِطُ فَهُوَ الْجَائِرُ. یعنی عموماً از لفظ (قاسط) معنی ظالم گرفته می شود.

چنانچه خداوند در قرآن مجید فرموده است که: ﴿وَلَا يَجْعَلْ لَكُمْ دِينًا كُفْرًا﴾<sup>(۱)</sup> اما آنان که ستمگر و بیدادگر هستند هیزم دوزخ هستند».

### علت آوردن روایت احمد بن اشکاب در پایان:

بعد از آن امام بخاری / در آخر حدیث بیان فرمودند که: **حدثنا احمد بن اشکاب قال: حدثنا محمد بن فضیل عن عمارة بن القعقاع عن أبي زرعة عن أبي هريرة ر قال: قال النبي ﷺ: «كَلِمَتَانِ حَبِيبَتَانِ إِلَى الرَّحْمَنِ خَفِيفَتَانِ عَلَى اللِّسَانِ ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ».** همین حدیث را امام صاحب / دو جای دیگر در صحیح بخاری بیان فرموده اند، البته آنجا از اساتید دیگر روایت کرده اند:

1- این حدیث را در (کتاب الدعوات) از سند استاد خود زهیر بن حرب ذکر

نموده اند.

(1) - سورة انعام، آیه 1.

- 2- در (کتاب الایمان) از سند استاد خود (قتیبه بن سعید) ذکر نموده اند.
- 3- و در اینجا از سند استاد خود احمد بن اشکاب روایت کرده اند. شارح کتاب صحیح بخاری (حافظ ابن حجر) / که نسبت به بقیه آشنایی بیشتری با مزاج و طبیعت امام بخاری / دارد می‌فرماید: در حقیقت امام بخاری / این حدیث را آخرین بار از روایت (احمد بن اشکاب) شنیده اند. حال آن که قبلاً دو بار همین حدیث را از اساتید دیگر شنیده اند.
- در پایان، همان روایت را آوردند که در آخرین مرتبه از احمد بن اشکاب شنیده بودند. البته سه راوی بعد یعنی محمد بن فضیل، عماره بن قعقاع و ابو زرعه، در چند سند این روایت موجود اند، و فقط حدیث از آنها مروی است که در اصطلاح محدثین، این حدیث غریب است.

### سه صفت در دو کلمه:

ابوهریره  $\tau$  می‌فرماید که رسول اکرم  $\rho$  فرموده اند: این دو کلمه نزد خدای رحمان محبوب هستند اگر چه بر زبان سبکند، اما در میزان عمل خیلی سنگینند و الفاظ آن دو کلمه بدین صورت می‌باشد: «سبحان الله وبحمده سبحان الله العظيم» که در این حدیث صفات سه گانه این دو کلمه را بیان فرمودند که:

- 1- این دو کلمه به نزد خدا محبوبند، به جای «حبیبتان إلی الله» «حبیبتان إلی الرحمن» را استعمال نموده، لذا این اشاره به آن است که چون این دو کلمه در نزد خدای رحمان محبوبند، پس هر شخصی که قدر این کلمات را بداند و آنها را بخواند حتماً آن شخص مورد صفت رحمان که رحمت است قرار می‌گیرد، یعنی رحمت خداوند شاملش می‌گردد.
- 2- تلفظ این کلمات بر زبان بسیار سبکند، انسان مسلمان هنگام تکرار آنها با هیچ نوع مشقت مواجه نمی‌شود. به آسانی حفظ می‌شوند و در مجالس راحت می‌توان آنها را یاد کرد.

3- و فرمود: «ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ». یعنی در میزان عمل وزن‌شان خیلی سنگین می‌شود. وزن میزان عمل را در اینجا نمی‌توان دید، بلکه با رفتن به آنجا وزنش مشخص و معلوم می‌گردد.

به همین خاطر نمی‌توان گفت که در ثَقِيلَتَانِ فِي الْمِيزَانِ چه تعارضی وجود دارد و وزن آن کلمات چیست؟ خداوند بهتر می‌داند کلمات بدین قرارند «سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ».

ذات خداوند و تمام صفات وی بدون عیب هستند، فقط با زبان گفتن که ذات خداوند بی عیب است یک حرفیست معمولی. اما بهتر آن است که بنده با فکر و فهم و تدبّر این کلمات را بر زبان جاری سازد و از اعماق قلب خود به پاکی خداوند یقین و اطمینان داشته باشد و هدفش از اقرار این اعتقاد این باشد که تمام صفات ذات او تبارک و تعالی نیز بی نقص و عیبند و همچنین هرگونه امر و حکم شریعت او نیز بی عیب هستند.

لذا هر کسی که بر بی عیب بودن او (تعالی) ایمان دارد، لازمه ایمان این است که تمام احکام شریعت را یکی پس از دیگری بی عیب بداند و به آنها ایمان داشته باشد و کاملاً عمل نماید و هر حکم الهی را بی عیب بداند و بر آن قانع و راضی باشد. لذا در کلمات سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ، رضاء بالقضاء و همچنین پایبندی و عمل به شریعت و سنت نیز داخل هستند.

### معنای سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ:

این عبارت (سُبْحَانَ اللَّهِ الْعَظِيمِ) جمله دوم حدیث است که به این معنی است که تسبیح ذاتی را بیان می‌کنم که صاحب عظمت و بزرگی است. شیخ بنده داکتر عبدالحی صاحب / می‌فرمود: در قسمت اول این جمله که الفاظ سُبْحَانَ اللَّهِ وَبِحَمْدِهِ آمده اشاره دارد به طرف صفت جمال خداوندی؛ چرا که ذات او (تعالی) بی عیب است و جامع تمام محامد است. لذا ذاتی، صلاحیت تعریف را دارد که حقیقتاً در وی جمال وجود داشته باشد. لذا این جمله اشاره دارد به جمال خداوند و جمله دوم بیانگر عظمت و جلال خداوندی است؛ لذا اگرچه در جمله اول بیانگر جمال باری تعالی است جمله دوم بیانگر جلال و عظمت باری تعالی است،

هنگامی که تصور جمال الله را بکنید بی شک محبت او در دل پدید می آید، چرا که خاصیت جمال در این است که محبوب قرار گیرد و دل به طرف وی میل و رغبت داشته باشد. لذا محبت ریشه می زند و جلال نیز مستلزم این است که سرانجام خوف وی در دل می آید و چون هم خوف و هم محبت یکجا جمع شوند، در نتیجه خشت الهی در دل می آید.

به خاطر داشته باشید که خشیت تنها به معنی ترس و خوفی نیست که از مار و عقرب و شیر و درنده‌ها و دزدان داریم، بلکه خشیت به آن ترس و خوفی می‌گویند که از محبت پیدا می‌شود. لذا چنانچه با الله تعالی محبت کامل داشته باشیم، نخست خشیت او تعالی در دل ما پدید می‌آید، و اما ترس و خوف از پدر و شیخ و استاد به خاطر محبت با آنها در دل ایجاد می‌گردد.

جواب این است: این ترس از محبت به وجود می‌آید، و همین طور در نتیجه محبت با خداوند خشیت او در دل می‌آید. لذا اجتماع محبت و خوف را می‌توان خشیت نامید و تشریح حدیث با این توجیهات این است که از گفتن سبحان الله و بحمدہ محبت الهی در دل بوجود می‌آید و با گفتن سبحان الله العظیم خوف از خدا ایجاد می‌گردد. با وجود این دو شرط خشیت الهی در دل می‌آید و حاصل تمام اعمال و اخلاق این است که در دل خشیت الله  $\Psi$  پیدا شود.

«از میان بندگان خدا، تنها دانشمندان از او می‌ترسند».

خشیت الله را نشان علم دان

آیت یخشی الله در قرآن بخوان

از علایم بارز علم، وجود (خشیت) در دل است. اگر در دل خشیت پیدا شود پس بدانیم که علم واقعی حاصل شده و اگر در دل وجود خشیت الهی نیامد، پس عدم علم حقیقی است، بلکه فقط الفاظ و نقوش است. به همین خاطر امام بخاری / می فرماید: اگر می خواهید نتیجه علم را حاصل نمایید، در وجود خویش خشیه الله را بیاورید و خشیه الهی را با به کثرت ورد نمودن این ذکر «سبحان الله وبحمده سبحان الله العظيم» می توان حاصل نمود.

### **خواندن این کلمات در صبح و شام:**

در حدیث آمده که هر شخصی هنگام صبح 100 مرتبه سبحان الله و بحمده را ورد نماید، خداوند تا شام تمام گناهان وی را معاف می کند، گرچه گناهان وی به اندازه سنگریزه های بیابان باشند و اگر هنگام شام 100 مرتبه این ذکر را ورد کند تا صبح همه گناهان وی معاف می شوند. این همه فضایل مخصوص این حدیث است.

### **خلاصه:**

جلسه امروزی ما در دو جمله خلاصه می گردد که اگر بر این دو شرط عمل کنیم این مجلس ما مفید ثابت شده است.

1- حرف اول این که همیشه در فکر باشیم که اعمال وزن می شوند و دو

شرط اساسی موجب سنگینی اعمال می شوند:

(أ) اتباع سنت.

(ب) اخلاص.

امروز این صحبت را با فکر و تدبر همراه خودمان ببریم تا خداوند متعال این دو شرط اساسی را در وجود ما بیاورد، تا که در آخرت اعمال ما قابل وزن گردند.

2- حرف دوم این که برای این دو جمله، در احادیث فضایل بیشماری بیان شده است. این دو جمله را حرز جان قرار دهیم، و در تمام احوال رفتن، نشستن و ...، این جملات را ورد زبان کنیم.

اگر شخصی این اذکار را به این نیت بخواند که خدا به وسیله آن خشیت خود را در دلش بیاورد، ان شاء الله خداوند متعال هم به وسیله آن ذکر او را به مقصدش می‌رساند و هدفش را تکمیل می‌سازد؛ یعنی خشیه ذات خود را به او هدیه می‌کند.

خداوند به من و شما توفیق کلیه خیرها را عنایت بفرماید (آمین).

### **وآخر دعوانا أن الحمد لله رب العالمین**

ترجمه این سخنرانی ساعت 6:30 روز شنبه تاریخ 1380/2/1 هـ ش  
هنگام برگزاری امتحانات ثلث اول طلاب اهل سنت به پایان رسید.  
خداوند این خدمت را از مؤلف، مترجم و مصححین گرامی قبول بفرماید،  
(آمین).